



عنوان دوره آموزشی

آشنایی با حقوق کودکان در جامعه و سلامت

با تاکید بر مباحث کارگاه مدرسه تابستانی حقوق کودک



بهار ۱۴۰۱



گروه هدف

مددکاران اجتماعی بهداشتی و درمانی و روانشناسان شاغل در معاونت درمان، مراکز آموزشی درمانی، بیمارستانها و شبکه های بهداشت و درمان

اهداف آموزشی

ارتقاء سطح دانش، نگرش و مهارت فراگیران در زمینه آشنایی با حقوق کودکان در جامعه، بهداشت و درمان و کسب تکنیک ها و مهارتهای لازم جهت حمایت از کودکان

مدت دوره: ۲۰ ساعت

روش و نحوه اجرای آموزش: کتابخوانی

نحوه ارزشیابی: آزمون چهار گزینه ای

فهرست مطالب

مقدمه	۵
پیشگفتار	۶
فصل اول: آشنایی با مفاهیم اساسی	۷
فصل دوم: اصول بنیادین حمایت از کودکان در اسلام و حقوق بین الملل	۱۴
فصل سوم: مسئولیت کیفری کودکان	۳۰
فصل چهارم: مسئولیت دولت و سازمانهای مردم نهاد در قبال حقوق کودک مقدمه:	۴۲
فصل پنجم: نگاهی اجمالی بر حقوق کودک	۷۱
فصل ششم: حق بر سلامت کودک	۸۸

مقدمه

یکی از مسائل و موضوعات کلیدی و مهم در نظام جهانی و عرصه ی حقوقی تمامی کشورها مسائل مربوط به حقوق کودک و چالش های پیشروی این موضوع است. از سوی دیگر آشنایی با حقوق کودکان از دیدگاه های متفاوت و در رشته های مختلف حقوق مورد بحث و بررسی واقع شده و دارای ابعاد حقوقی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی داخلی و بین المللی است. در عرصه ی بین المللی برای پاسخ گویی به چالش ها و آشنایی هرچه بیشتر با حقوق کودک گام هایی برداشته شده است، که این اقدامات شامل اختصاص موادی از اعلامیه ی جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به موضوع حقوق کودک و تصویب کنوانسیون حقوق کودک با توجه خاص به تبیین اصول حقوق کودک در برابر رسانه ها می باشد. علاوه بر تصویب اسناد و قطعنامه های مختلف در سطح بین المللی در این حوزه اسناد و موافقتنامه های منطقه ای و کشوری برای بسط و تبیین این حقوق اساسی با توجه به شرایط فرهنگی، دینی و.. هر کشور و منطقه برای حمایت از کودکان به تصویب رسیده است.

پیشگفتار

انسان برای زندگی اجتماعی خویش، نیازمند امنیت جسمی، روحی، اقتصادی و ... است. کودکان نیز که پایه و اساس رشد جسمی، عقلی و اجتماعی آنان، از همان سالهای نخست زندگی، آغاز می‌شود، با توجه به وضعیت خاص آنان به لحاظ جسمی و روحی، نیاز به حمایتها و مراقبتهای ویژه‌ای دارند. این اقدامات باید مفهوم و قالب متناسبی یافته و با توجه به ناتوانی کودکان برای استیفای مستقیم حقوق خویش، جنبه‌های حمایتی وسیعی یابد؛ به گونه‌ای که بزرگسالان، الزام ناشی از حمایت آنان را کاملاً احساس کنند. اهمیت این مطلب بر کسی پوشیده نیست که باید حقوق کودکان را شناخت و برای احقاق آن تلاش کرد. در مطلب گردآوری شده سعی بر آن شده تا توضیحی جامع در خصوص حقوق کودکان در جامعه با تاکید بر حق سلامت جهت آشنایی همکاران گروه مددکاری اجتماعی و روانشناسان شاغل در مراکز آموزشی درمانی و بیمارستانهای تابعه دانشگاه ارائه گردد.

فصل اول: آشنایی با مفاهیم اساسی

شکل گیری نظام و اجماع جهانی بر سر ارزش ها، اصول، قواعد و هنجارهای حقوق بشر باعث جهان شمولی حقوق بشر شده است که بیش از هر چیز در کرامت انسانی ذاتی مردمان سراسر گیتی ریشه دارد. سوال اساسی این است که اصل حمایت ویژه از کودکان در برابر رفتارهای ناقض حقوق آن ها، به عنوان بنیادی ترین اصل در زمینه هرگونه سیاست گذاری راجع به کودکان، تا چه حد در سطح جهانی و نیز در سطح قوانین موضوعه بررسی شده است. پذیرش اصل حمایت ویژه از کودکان به عنوان اصلی راهبردی در پی ریزی یک سیاست تقنینی افتراقی در برابر رفتارهای ناقض حقوق کودکان بر فرایند انتقال و جذب معیارهای بین المللی راجع به حمایت ویژه از کودکان در قوانین موضوعه عادی ایران تاثیر مثبت خواهد گذاشت.

حق

فرهنگ زبان عمید از حق به معنای راست، درست، ضد باطل، ثابت، واجب، کاری که البته واقع شود... یاد شده است. حق عبارت از اختیاری است که قانون برای کسی شناخته تا بتواند امری را انجام یا ترک نماید. به بیان دیگر حق عبارت است از قدرت و توانایی قانونی که به موجب آن شخص می تواند به واسطه آن از چیزی منتفع گردد یا انجام امری یا ترک فعلی را بنماید. به عبارت دیگر حق توانایی است که حقوق هر کشور به اشخاص می دهد تا از مالی به طور مستقیم استفاده کند یا انتقال مال و انجام دادن کاری را از دیگری بخواهد.

حق در علم حقوق

از لحاظ حقوقی تعریف حق متفاوت است چنانکه دکتر کاتوزیان در شماره ۲۲۹ کتاب مقدمه علم حقوق حق را چنین تعریف نموده اند: "سلطه و اختیاری است که حقوق هر کشور به منظور حفظ منافع اشخاص به آنها می دهد." و یا در جای دیگری چنین تعریف می کنند "امتیاز و نفعی است متعلق به شخص که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می کند و به او توان تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را میدهد." دکتر جعفری لنگرودی نیز در کتاب ترمینولوژی حقوق ذیل واژه حق، معانی ذیل را به کار برده است:

الف) اموری که در قانون پیش بینی شده اگر افراد مجاز باشند که به قصد خود برخی از آنها را تغییر دهند، این امور قابل تغییر را حق گویند. حق به این معنی در مقابل حکم قرار می گیرد.

ب) نوعی از مال است و در این صورت در مقابل دین، عین، منفعت و انتفاع بکار می رود...

ج) قدرتی که از طرف قانون به شخص داده شده حق نامیده می‌شود؛ در فقه در همین معنی کلمه سلطه را به کار می‌برند. حق در این معنی دارای ضمانت اجراست و آن را حق تحقیقی - و حقوق موضوعه و حقوق مثبت نیز گفته‌اند.

حق را قرار گرفتن چیزی در موضع خودش [که آن موضع برای وی در نظر گرفته شده] نیز گفته‌اند (امین‌الاسلام طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش، ج سوم، ص ۴، ص ۱۰۱)

از آنجا که در علم حقوق، حق جایگاه خاصی دارد در ارتباط میان حق و شخص این سوال مطرح می‌شود، که آیا آوردن قید شخص در تعریف حق صحیح است؟ حق بر خلاف تکلیف بدون وجود شخص نیز قابل تحقق است، چرا که اولاً به لحاظ منطقی معرّف و معرّف نباید موقوف به یکدیگر باشند بنابراین درحالی که در تعریف شخص در اصطلاح حقوقی آمده "شخص موجودی است که دارای حق و تکلیف است" (سید حسین صفائی و سید مرتضی قاسم زاده، اشخاص و محجورین، سمت، ۱۳۸۲، ص ۲۴) نمی‌توان در اصطلاح حقوقی تعریف حق نیز ارتباط آن را به شخص محور قرار داد که چنین امری مستلزم دور است، ثانیاً رابطه حق و شخص عموم و خصوص مطلق است به طوری که حق کلی است که از افراد شخص عام تر است، چنانچه ماده ۸۵۱ قانون مدنی وصیت برای حمل را صحیح دانسته یا ماده ۸۷۸ همان قانون که برای حملی که اگر قابل وراثت متولد شود، مانع از ارث تمام یا بعضی از وراثت دیگر میگردد حق قائل شده و سایر وراثت نمی‌توانند بدون در نظر گرفتن سهم وی به تقسیم ماترک بپردازند، ملاحظه می‌شود در مثال‌های فوق جنین دارای حقوقی است که سایرین مکلف به رعایت آن هستند و نیز پس از اینکه آن جنین شخصیت یافت و متصف به اوصاف لازم جهت اهلیت استیفاء شد می‌تواند از آن در گذرد یا استیفاء نماید، ثالثاً حق مفهومی اعتباری است و اینکه قائل باشیم حتماً باید شخصی وجود داشته باشد تا حق مفهوم پیدا کند محل اشکال است چرا که در این صورت تعریف ارائه شده به تعریف ذی حق نزدیکتر است، فرض کنید هیچ شخصی در دنیا واجد شرایط داشتن حق شفعه نباشد آیا می‌توان قائل باشیم که حق شفعه وجود ندارد! یا بهتر است بگوییم آنچه وجود ندارد شفعه است اما حقی بنام شفعه وجود دارد. (مطابق ماده ۸۰۸ قانون مدنی - هرگاه مال غیرمنقول قابل تقسیمی بین دو نفر مشترک باشد و یکی از دو شریک حصه خود را به قصد بیع به شخص ثالثی منتقل کند شریک دیگر حق دارد قیمتی را که مشتری داده است به او بدهد و حصه مبیعه را تملک کند. این حق را حق شفعه و صاحب آن را شفعه می‌گویند).

مفهوم کودک:

پیمان نامه حقوق کودک بعنوان یک سند بین‌المللی که در تاریخ ۱۹۸۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید و اکثریت کشورها از جمله ایران (به تاریخ اسفند ۱۳۷۲) آن را امضاء و تصویب نموده‌اند، تعریفی از کودک ارائه می‌دهد. ماده

یک این کنوانسیون مقرر می‌دارد: «از نظر پیمان نامه کنونی، منظور از کودک هر انسان دارای کمتر از ۱۸ سال سن است، مگر اینکه طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک، سن قانونی کمتر تعیین شده باشد».

مطابق این ماده، کودک به فردی اطلاق می‌شود که براساس معیار سنی که بر اساس تاریخ تولد تعیین می‌شود کمتر از ۱۸ سال داشته باشد. دو نتیجه از تعریف ارائه شده گرفته می‌شود؛ یکی اینکه، براساس قسمت اخیر ماده، شرط سنی تعیین شده منوط به این است که در قانون داخلی کشورها سن کمتری تعیین نشده باشد که در فرض اخیر همان قانون داخلی ملاک خواهد بود و دیگر اینکه، در این تعریف، انتهای کودکی مشخص شده؛ ولی به ابتدای کودکی اشاره‌ای نشده است این تعریف فقط ناظر به بعد از تولد است و دوران جنینی را در بر نمی‌گیرد.

حقوق کودکان

حقوق کودک یا فرزند مجموعه‌ای از حقوق بشر ویژه کودکان است که بر پشتیبانی و نگهداری از افراد جوان تمرکز دارد. کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ (CRC) یک کودک را به عنوان فردی که به سن هجده سال نرسیده است تعریف می‌کند. حقوق کودکان شامل حق بر عدم تبعیض، حق حیات، حق بقا، حق رشد، حق بر ثبت نام، برقراری ارتباط با هر دو والدین، هویت انسانی و همچنین نیازهای اساسی برای حفاظت فیزیکی، غذا، آموزش عمومی دولتی، مراقبت‌های بهداشتی و قوانین کیفی مناسب براساس سن و رشد کودک، حفاظت برابر از حقوق مدنی کودک و آزادی از تبعیض بر اساس نژاد، جنسیت، گرایش جنسی، هویت جنسیتی، منشأ ملی، مذهب، معلولیت، رنگ، قومیت یا سایر ویژگی‌ها. تفسیر حقوق کودکان طیفی از اجازه دادن به ظرفیت کودکان برای داشتن اختیار عمل تا اعمال نظر فیزیکی، روانی و احساسی بدون هیچگونه بدرفتاری با کودکان را دربرمی‌گیرد. هر چند که آنچه که شامل بدرفتاری می‌شود باید در رابطه با آن بحث شود.

کنوانسیون حقوق کودکان

مهمترین سند حقوقی بین‌المللی برای کودکان، کنوانسیون حقوق کودک است که در سال ۱۹۸۹ به تصویب رسیده‌است، و مهم‌ترین حقوق کودکان در آن درج شده‌است، همچنین در این سند کمیته‌ای برای بررسی وضعیت کشورها در زمینه حقوق کودک ایجاد شده‌است. کنوانسیون حقوق کودک حاوی حق و حقوقی است که همه کودکان جهان باید از آن برخوردار باشند. این کنوانسیون در مورد تمام کودکان ۰ تا ۱۸ ساله‌ای که در یک کشور زندگی می‌کنند یا اقامت دارند صدق می‌کند.

جامعه جامعه واژه‌ای است عربی و مؤنث جامع و به معنای گردآورنده، ولی در عربی به دانشگاه جامعه می‌گویند. در اصطلاح جامعه‌شناسی گروه (های) انسانی است مشروط بر این که، دارای تعامل انسانی پایدار باشند که از نظر سرزمینی، حاکمیت یا انتظارات فرهنگی با هم وجه اشتراک دارند. جامعه خود به تناسب الگوی روابط بین افراد آن، قابل دسته‌بندی به زیر مجموعه‌های جمعیتی است تا با ماحصل تجمیع آن‌ها جامعه را بسازند.

به شکل کلی جامعه به حدود استقلال اعضا در جمع توجه دارد که نه تنها در بین انسان‌ها، حتی در میمون‌های بزرگ مانند بابون‌ها، شمپانزه‌ها و در سطح کمتر در گوریل‌ها نیز وجود دارد؛ و انسان به تنهای مانند شرایط چون رابینسون کروزو قابل ارزیابی نیست و همه به نوعی درگیر در میزان حدود منافع فردی و جمعی می‌گردند.

در هر جامعه‌ای، باورها و اعتقادات جمعی فارغ از معقول یا غیر معقول بودن آن‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی آن جامعه را می‌سازند که همواره می‌تواند دستخوش تغییرات تدریجی باشد.

مشارکت جمعی افراد جامعه، فرصت‌ها و مزایایی را در اختیار افراد قرار می‌دهد که امکان تأمین آن به شکل فردی، مقدور نیست. از این رو با تعریف جامعه با مفهوم منافع جمعی روبرو می‌شویم که باید آن را از منافع شخصی متمایز دانست؛ هر چند در بسیاری از موارد، این دو مفهوم، نسبت به هم، همپوشانی (برابر کردن یا موازی‌سازی) دارند.

در یک مفهوم ساختارگرایانه، جامعه را می‌توان به عنوان یک بستر اقتصادی، صنعتی، فرهنگی دانست که از مجموعه متنوعی ضمن متمایز بودن از یکدیگر همواره با هم در تعاملند و روابط عینی بین آن‌ها برقرار است؛ در حالی که مجموعه افراد غیر مرتبط را که در یک محیط به سر می‌برند نمی‌توان یک جامعه دانست. این تعامل حتماً تعامل فرهنگ ساختی و احیاناً منجر به تعامل علم ساختی هم هست؛ بنابراین، یک عده مهاجر یا پناهنده که مثلاً در یک اردوگاه، به مدت سه ماه گرد هم آمده‌اند اگر چه بسیار باشند، به عبارتی در این تعریف نمی‌گنجد و جامعه محسوب نمی‌شوند؛ زیرا شرط تعامل پایدار و تعامل فرهنگ ساختی را ندارد.

در درون جامعه، به دلیل وجود علایق مختلف انسان‌ها و گروه‌ها، تضادهای اجتماعی وجود دارند؛ اما با وجود تضاد، تعادل و ثبات جامعه حفظ می‌گردد. در جامعه افراد نقش‌های گوناگونی را می‌پذیرند و به همان نسبت از مزایای اجتماعی مختلفی بهره‌مند می‌شوند. جامعه‌شناسی علمی است که به مسایل عینی جامعه و پدیده‌های اجتماعی در محوریت انسانی می‌پردازد.

سلامت:

تندرستی یا سلامت، عبارتی است از تأمین رفاه کامل جسمانی و روانی و اجتماعی انسان. سلامت معادل کلمه انگلیسی {Health} و بهداشت عمومی ترجمه کلمه {Public Health} می‌باشد. بنابراین تعریف سازمان بهداشت جهانی، تندرستی تنها فقدان بیماری یا نواقص دیگر در بدن نیست بلکه نداشتن هیچ‌گونه مشکل روانی، اجتماعی، اقتصادی و سلامت جسمانی برای هر فرد جامعه است.

امروزه اهمیت توسعه بهداشت عمومی برای برقراری عدالت اجتماعی در حوزه سلامت بر هیچ‌کس پنهان نیست.

سلامتی جسمی شامل همه قابلیت‌های جسمی بدن است. به فرد یا پدیده‌ای که دارای تندرستی باشد، تندرست یا سالم گفته می‌شود.

حس تندرستی در افراد متفاوت است و دو فرد در شرایط جسمانی یکسان ممکن است قضاوت متفاوتی در مورد تندرستی خود یا دیگران بکنند. برای نمونه یک فرد معلول می‌تواند خود را کاملاً تندرست حس کند در حالی که اطرافیان او را ناسالم بدانند. البته افرادی که بیماری‌های شدید دارند معمولاً از سوی خود و دیگران سالم به‌شمار نمی‌آیند.

واژه سالم در مورد پدیده‌های گوناگون، برای نمونه اقتصاد، فضا و محیط هم کاربرد دارد.

مولفه های زندگی سالم

مولفه‌های جسمانی

* عوامل ژنتیکی

* تغذیه سالم: سبزیجات، شیر، میوه‌ها و غیره.

* محیط زیست سالم: هوای پاک، آب پاکیزه، خاک نیالوده، نور کافی و غیره.

* محیط امن برای تن: جامه کافی، گرما، سرپناه و غیره.

* خواب کافی: داشتن زمان کافی برای استراحت و آسایش.

* داشتن رابطه خوب با پیرامونمان (برای نمونه با دوستان و هم‌کاران)

* شرایط سالم کاری، برای نمونه: (نبود ترس و فشار مزمن در محل کار)

مولفه‌های روحی-روانی

* عشق: توانایی دوست داشتن و محبوب کسی/کسانی بودن

* داشتن شریک زندگی، فرزند، خانواده و اطرافیان

* دوستی، مردم‌داری، مهارت‌های اجتماعی

* توجه به خود، اعتماد به نفس

* موفقیت و به رسمیت شناخته شدن از سوی دیگران، دریافت واکنش‌های مثبت از سوی دیگران (بازخورد)

* امنیت و آرامش: حس امنیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ...، حس امنیت روحی در مورد مفهوم زندگی

* آزادی: آزادی بیان، آزادی عقیده و آزادی عمل غیره.

* خلاقیت: فعالیت‌های آفرینش‌گرانه و بازی‌ها

* وابستگی:

* وابستگی به شریک زندگی، دوستان یا دیگران

* قابلیت دعوا و آشتی

* تجربه کردن و خاطره‌های باارزش

فصل دوم: اصول بنیادین حمایت از کودکان در اسلام و حقوق بین الملل

موضوع حقوق کودک در عرصه بین‌المللی در طول چند دهه اخیر، محور توجه نهادهای بین‌المللی و دولت‌ها قرار گرفته است. تدوین و تصویب کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق کودک به عنوان مهمترین سند بین‌المللی در زمینه حقوق کودک محسوب می‌گردد که حاکی از دغدغه جامعه بین‌المللی در زمینه حقوق منظور از کودک افراد انسانی کودک است.

تاریخچه حقوق کودکان:

در مواجهه با حقوق کودکان، دو نگرش کلی وجود دارد، حمایتگری و آزادیبخشی. در نگرش حمایت‌گری بجای کودکان، این تنها والدین هستند که از مجموعه حقوقی برخوردار هستند. آنها اعتقاد دارند که تنها رفتار صحیح از سوی کودکان، سازگاری، فرمانبرداری و مسئولیت‌پذیری آنان است.

براساس این دیدگاه، کودکان ملزم به رفتار در چارچوب خواسته‌ها، علایق و آرزوهای والدین خویش‌اند. بنابراین، به حقوق خاصی نیازمند نیستند. طبق این نگرش، هر فرد و یا گروهی، با هر گرایش و عقیده‌ای، بهترین شیوه تربیت کودکان را نزد خود خواهد دانست. شیوه‌هایی که لزوماً به نفع کودکان تمام نخواهد شد و ممکن است آنان را به قربانیان والدین خود بدل کند. اما در نگرش آزادی‌بخشی، کودکان، به طور خاص، از حقوق برابری نسبت به والدین خود برخوردار هستند. قدرت اختیار و تصمیم‌گیری، از جمله حق رأی، پس‌انداز پول و تصمیم‌گیری برای رفتن به مدرسه از جمله این حقوق هستند.

برخی از حمایتگران، حق انتخاب و تصمیم‌گیری کودکان را به تمسخر می‌گیرند و با آن به مخالفت می‌پردازند. اما آزادی‌بخشان بر این باورند که آزادی، به تناسب مرحله رشد کودک، درجات متفاوتی خواهد داشت. به طور مثال یک کودک شش‌ساله می‌تواند تصمیم بگیرد که از کدام مدارنگی برای رنگ‌کردن نقاشی خود استفاده کند و یا غذایی که بیشتر دوست دارد را برای وعده ناهار انتخاب کند. بنابراین، کودکان به تناسب آمادگی‌شان، می‌توانند در مواجهه با مهارت‌ها و مسئولیت‌های مختلف، حق انتخاب داشته باشند و به عنوان افرادی مستقل تصمیم‌گیری کنند.



مؤسس سازمان «کودکان را نجات دهید» در قرن نوزدهم میلادی در بریتانیاست. در سال 1923 جب به ژنو رفت و در جلسه اتحادیه بین‌المللی شرکت کرد. پیش‌نویس منشور حقوق کودک که از سوی او به نگارش درآمده بود، در این جلسه ارائه شد. در این پیش‌نویس موضوعاتی چون اولویت حقوق کودکان، مسئولیت جامعه بین‌الملل در برابر آن و برنامه‌ریزی برای آن مطرح شده بود. یک سال بعد از این اقدام جب، بیانیه حقوق کودک که به بیانیه ژنو نیز شهرت پیدا کرده بود، از سوی جامعه ملل به تصویب رسید.

تاریخ شکل‌گیری حقوق کودک

برخورداری کودکان از یک مجموعه حقوق خاص، مفهومی نسبتاً جدید است. در نگرش سنتی، کودکان تنها متعلقات والدین خود و تحت کنترل تمام و کمال آن‌ها بودند. اما چنین دیدگاهی در عصر روشنگری اروپا به چالش کشیده شد و مفاهیمی چون استقلال فردی و حقوق طبیعی برای انسان‌ها مطرح شد. با ظهور انقلاب صنعتی، کودکان خردسالی که گاه سن آنان به ۶ سال نیز می‌رسید، در کارخانه‌ها و معادن زغال‌سنگ در شرایطی غیرانسانی، در ساعات طولانی و با دستمزدهای بسیار پایین به کار گرفته می‌شدند.

قرن نوزدهم، کودکان کار

نیمه ابتدایی قرن نوزدهم، آغاز مخالفت با استثمار کودکان بود. در این هنگام بود که روشنفکران طبقه متوسط از میان آثاری چون «آلیور توئیست» چارلز دیکنز با واقعیت عریان زندگی کودکان شهرنشین مواجه شدند و پویش‌هایی در حمایت از حقوق کودکان شکل گرفت. به دنبال آن، در طول قرن نوزدهم قوانینی برای کار در کارخانه‌ها به تصویب رسید که براساس آن ساعات کار کودکان کاهش پیدا کرد، کار کردن در شب برای آن‌ها ممنوع شد و کودکان کمتر از ۹ سال دیگر اجازه کار در کارخانه‌ها را نداشتند. طبق این قوانین، کارخانه‌ها موظف شدند در ساعات اولیه روز، به کودکانی که به کار گرفته‌اند، خواندن، نوشتن و ریاضیات آموزش دهند.



قطار کودکان بی سرپرست

اولین جنبش‌های حقوق کودک در آمریکا، با برنامه‌ای تحت عنوان «قطار کودکان بی سرپرست» آغاز شد. هنگامی که کودکان در شهرهای بزرگ، سرپرستان خود را از دست می‌دادند و یا در خانواده‌ای فقیر زندگی می‌کردند، برای حمایت از خانواده‌های خود به کار کردن روی می‌آوردند. پسران معمولاً به کار در کارخانه‌ها و معادن و دختران به روسپیگری و یا خدمتکاری تن می‌دادند. این در حالی بود که دستمزد تمامی این کارها تنها برای رفع گرسنگی کفایت می‌کرد. در سال ۱۸۵۳، چارلز بریس انجمن حمایت از کودکان را تأسیس کرد و با تلاش‌های بی‌وقفه او کودکان خیابانی بسیاری مورد حمایت قرار گرفتند. این کودکان بعدها، سوار بر قطاری، از شهرهای پرجمعیت شرق آمریکا به غرب کشور و پرورشگاه‌هایی در مناطق روستایی انتقال پیدا کردند. قطار کودکان بی سرپرست در بازه سال‌های ۱۸۵۴ تا ۱۹۲۹ به فعالیت خود ادامه داد و بیش از ۲۰۰ هزار کودک بی سرپرست، رنج‌دیده و بی‌خانمان وسیله آن سروسامان گرفتند.



اولین بیانیه حقوق کودک

پس از جنگ جهانی اول و تأثیرات آن بر زندگی کودکان، نیاز به قوانین خاصی برای حفاظت از کودکان بیش از پیش احساس شد. اولین بیانیه حقوق کودک، که به بیانیه ژنو نیز شهرت دارد، در سال ۱۹۲۳ از سوی اگلاتینتین جب تنظیم شد و یک سال بعد، در سال ۱۹۲۴، جامعه ملل آن را به تصویب رساند. در متن این بیانیه آمده است که تمامی انسان‌ها مجموعه‌ای از حقوق را به کودکان بدهکار هستند. دسترسی کودکان به ابزارهای رشد و شکوفایی، کمک به کودکان به هنگام نیاز، اولویت کودکان در دسترسی به رفاه اقتصادی، آرامش و آزادی، محافظت از کودکان در برابر سوءاستفاده‌هایی که از آن‌ها می‌شود و آموزش خودآگاهی و مسئولیت‌های اجتماعی از جمله این حقوق بودند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر

به دنبال شرایط بحرانی ناشی از جنگ جهانی دوم، بار دیگر مسئله حقوق کودک مورد توجه قرار گرفت. در دسامبر ۱۹۴۸، اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۳۰ بند کلی از سوی مجمع عمومی سازمان ملل انتشار پیدا کرد که در بند ۲۵ آن، به نیاز مادران و کودکان به حمایت و مراقبت و حق تمامی کودکان در برخورداری از حمایت‌های اجتماعی اشاره شده بود.

سیر پیشرفت حقوق کودکان

مجمع عمومی سازمان ملل با افزودن چند اصل دیگر، در بیستم نوامبر ۱۹۵۹، بیانیه جامع‌تری را به عنوان موضع رسمی خود در مورد حقوق کودکان به تصویب رساند. در این بیانیه، علاوه بر موارد پیشین، حق تحصیل، بازی، زندگی در محیطی آرام و برخورداری از بهداشت و سلامت، خودداری از هرگونه تبعیض در مواجهه با کودکان و جهان‌شمول بودن این حقوق به رسمیت شناخته شد. در سال ۱۹۷۳ سازمان جهانی کار، با تصویب کنوانسیون ۱۳۸، برای اشتغال در مشاغلی که ممکن بود سلامت، امنیت و یا عزت نفس افراد را زیر سؤال ببرد، حداقل سن ممکن را ۱۸ سال در نظر گرفت. با نگرانی مجمع عمومی سازمان ملل به وضعیت زنان و کودکان در موقعیت‌های بحرانی و جنگ‌ها، به نظارت بر اجرایی شدن مفاد بیانیه در حفاظت از زنان و کودکان به هنگام درگیری‌های مسلحانه و موقعیت‌های بحرانی پرداخته شد. در بیانیه سازمان ملل تعرض به زنان و کودکان، در جریان درگیری‌ها ممنوع شده بود. در بیستمین سالگرد تصویب بیانیه حقوق کودک ۱۹۵۹، مجمع عمومی سازمان ملل، با همکاری یونیسف، سال ۱۹۷۹ را سال جهانی کودک نام‌گذاری کرد. هدف از این نام‌گذاری این بود که مشکلاتی که کودکان در سراسر دنیا با آن‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند، اعم از سوءتغذیه و یا نداشتن دسترسی به امکانات آموزشی، مورد توجه قرار بگیرد.

دیدگاه اسلام نسبت به حقوق کودک

اسلام به مثابه یک آئین همه‌جانبه‌نگر و جهان‌شمول، بی‌شک در همه شئون زندگی انسان، دارای متد و آموزه‌هایی است که می‌تواند ره‌گشای معضلات عدیده جامعه باشد. لیکن عدم دقت و هم‌چنین توجه صرف به ظواهر، موجب گردیده تا پویایی آموزه‌های اسلامی و غنای لایزال وجوه متونی اسلام، نادیده گرفته شود. حقوق کودک در اسلام (متون دینی و فقه) و قوانین ایران در شماری از آیات قرآن و بسیاری از احادیث معصومین علیهم‌السلام، به صراحت یا اشارت، به حقوق کودک توجه شده است.

امام سجاد و امام محمدباقر (ع) بیشترین تأکیدات را بر لزوم حفظ حقوق انسانی کودکان داشته‌اند. این دو بزرگوار با تأکید بر لزوم تربیت صحیح کودکان به مقولاتی اشاره کرده‌اند که می‌توان از آنها به مثابه متدی مدرن برای تعامل با کودکان بهره جست.

باید توجه داشت که فرزند موهبتی است که به امانت در اختیار والدین قرار گرفته است. باید این موهبت را گرامی داشت و از اکرام و احترام او فروگذار نکرد، چرا که سلامت روح او در احترام کردن اوست و تربیت اخلاقی او در سایه اکرام و احترامش موفق تر خواهد بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: فرزندان را بزرگ دارید و با آنان رفتاری نیکو کنید.

توجه اسلام به خانواده

در مجموعه توصیه‌ها و احکام شریعت، به موضوع خانواده توجه ویژه شده و به منظور استحکام و استمرار این نهاد و نیز رعایت حقوق و مصالح اعضای آن، با ایجاد ساختاری خاص، روابط میان اعضا تعریف و تنظیم شده است. نکته قابل توجه این است که از یک سو، این دستورات، یکسره جنبه حقوقی ندارند، بلکه به لحاظ ماهیت و ظرافت موضوع، بسیاری از آنها دستورالعمل‌هایی اخلاقی‌اند، مانند: مهربانی کردن، احترام نهادن، نصیحت کردن، چشم‌پوشی کردن از خطاها و لغزش‌ها. سیره عملی پیامبر اکرم و پیشوایان دینی در برخورد با فرزندان و به‌طور کلی، کودکان و نیز دیگر اعضای خانواده و بستگان خود، و تأکید فراوان آنها بر خوش خلقی و برحذر داشتن از بد اخلاقی،

به خوبی نشان‌دهنده این جهت‌گیری است؛ از سوی دیگر، برجسته بودن جایگاه خانواده و اهمیت حفظ هویت آن، سبب شده که حمایت از حقوق کودکان، بیشتر در چهارچوب خانواده، مطرح شود و در نتیجه، مجموعه حقوق کودکان با حقوق فرزندان دارای اشتراکات فراوان و گاه در هم تنیده باشد.

شمول بحث در ابواب فقهی

در مباحث فقهی و آرای فقها، چه شیعه چه اهل سنت، نیز حقوقی برای کودک به رسمیت شناخته شده که عمدتاً مبتنی بر آیات و احادیث است. در منابع جامع فقهی، بابی مستقل به حقوق کودک اختصاص نیافته بلکه حقوق مختلف او به تناسب موضوع، در ابواب گوناگونی آمده و احکام هر یک به دقت تحلیل و بیان شده است؛ از جمله در ابواب ارث، حدود، قصاص، دیات، نکاح، طلاق و ولایت. شماری از منابع فقهی شیعی به پیروی از برخی منابع حدیثی، در بابی با عنوان احکام الاولاد، ضمن مباحث نکاح، به بسیاری از حقوق کودک و فرزند پرداخته‌اند؛ هر چند شماری از این مسائل صرفاً آدابی مستحب درباره فرزندان‌اند و در پاره‌ای منابع نیز همه مسائل این باب، این‌گونه است.

در اصل بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به حمایت از حقوق کودک اشاره شده و مصادیق حقوق کودک، در بسیاری از مواد قانون مدنی و قوانین جزایی ایران، بر پایه آرای مشهور فقه امامی، مورد توجه قرار گرفته است.

حقوق کودک از منظر اسلام

حقوق کودک را در یک نگاه کلی، می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: حقوق او از آن جهت که انسان است و حقوق او از آن جهت که کودک است.

حقوق دائمی برابر با بزرگسالان

حقوق کودک از آن جهت که انسان هست اعم از حقوق فردی، اجتماعی و اقتصادی، با حقوق بزرگسالان یکسان می‌باشد و برخلاف نوع دوم، موقت (ویژه دوران کودکی) نیست. مثلاً در برخورداری از حق حیات که مهم‌ترین و اساسی‌ترین حق هر انسان است، و نیز حق سلامت جسمانی، کودک و بزرگسال تفاوتی ندارند. براین اساس، کیفر سلب این حقوق هم در مورد هر دو یکسان است. حتی جنین انسان (حَمْل) به محض تکوّن، از حرمت و نیز اهلیت متمتع شدن از حقوق (البته به صورت ناقص) برخوردار است و به تدریج (به موازات رشد او) حقوق او بیش‌تر می‌شود. از دیدگاه فقها، «نفس محترم» همان قدر که بر بزرگسال صدق می‌کند بی‌کم و کاست بر کودک و حتی بر جنین انسان، به‌ویژه پس از پیدایش حیات در آن نیز صادق است. از این‌رو اسقاط عمدی جنین در فقه اسلامی، مستوجب پرداخت دیه است و حتی برخی، (ریختن نطفه در بیرون رحم) را هم حرام و موجب دیه دانسته‌اند. جنین حاصل از راه غیرشرعی نیز واجد حرمت و مشمول این حقوق است. با تمام اهمیتی که اجرای احکام کیفری در اسلام دارد، آنجا که حیات جنین یا نوزاد به سبب اجرای حدود، قصاص یا هرگونه تعزیر نسبت به مادرش به مخاطره افتد، اجرای حکم تا هنگام زایمان یا تا پایان دوره شیردهی به تأخیر می‌افتد (حتی در صورتی که جنایت پیش از بارداری رخ داده باشد یا بارداری مورد تردید یا از راه نامشروع باشد)

داشتن نام

از جمله حقوق مهم انسان، از جمله کودک، داشتن نام است که مهم‌ترین عامل شناسایی و هویت مستقل هر فرد به شمار می‌رود. نام، همواره از تولد تا مرگ و حتی پس از مرگ، همراه و ملازم فرد است و تأثیر اجتماعی و تربیتی ویژه‌ای بر او دارد؛ از این‌رو در احادیث اسلامی بر انتخاب نام نیکو برای کودکان تأکید شده است.

در قوانین ایران نیز انتخاب نام برای کودک و نیز ثبت آن همراه با مشخصاتی دیگر از جمله حقوق کودک است. براساس قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ش، هر کودک بایستی دارای یک نام و یک نام خانوادگی (مطابق نام خانوادگی پدر) باشد و ولادت وی، تاریخ آن و نام انتخاب شده، ظرف پانزده روز پس از تولد به سازمان ثبت احوال کشور یا مأموران کنسولی ایران (در خصوص ایرانیان مقیم کشورهای دیگر) اعلام شود تا برای کودک شناسنامه صادر گردد.

داشتن تابعیت را نیز می‌توان، براساس کنوانسیون حقوق کودک و قوانین داخلی ایران، یکی از حقوق کودک و مرتبط با هویت او به شمار آورد.

نسب مشروع

از جمله حقوق کودک از جهت انسان بودن، برقرار شدن نسب مشروع و معین برای کودک است. نسب، رابطه‌ای اعتباری است که از پیدایش فرزند انتزاع می‌شود و منشأ آن تکوینی و واقعی است و با توافق، تفاهم و انعقاد قرارداد این رابطه قابل تغییر نیست. وجود رابطه زناشویی میان پدر و مادر بر پایه ازدواج مشروع در زمان انعقاد نطفه، نخستین شرط مشروعیت فرزند آنهاست؛ بنابراین کودکی که از رابطه آزاد جنسی میان زن و مرد پدید آید، فرزند مشروع و قانونی شناخته نمی‌شود.

تلازم برخی حقوق با نسب شرعی

از نظر فقهی، با این که برخورداری انسان، از جمله کودک از بیش‌تر حقوق (مانند حق حیات، حق سلامت جسمانی، حق حیثیت، حق مطالبه خسارت، حقوق اساسی و آزادی‌های فردی و اهلیت تمتع)، مستلزم مشروعیت نسب نیست ولی برقرار شدن پاره‌ای از حقوق و تکالیف به ثبوت نسب بستگی دارد، از جمله: حضانت، دریافت نفقه، ولایت قهری پدر و جد پدری، توارث (از یکدیگر ارث بردن) میان کودک و والدین و خویشاوندان آنها، و حرمت ازدواج با محارم. به نظر مشهور در فقه امامی و بر پایه مواد ۸۸۴ و ۱۱۶۷ قانون مدنی ایران، کودکی که بر اثر رابطه نامشروع متولد شود فرزند شرعی هیچ‌یک از والدین نیست و به تبع آن، برخی از آثار نسب مشروع، به‌ویژه توارث و ولایت، نیز منتفی است؛ البته چنین کودکی نسبت به طرفی که از نبودن رابطه زوجیت آگاه نبوده (شبهه زنا)، یا مجبور به رابطه نامشروع بوده، مشروع به شمار می‌آید. برخی فقها فرزند نامشروع را منتسب به مادرش می‌دانند و به توارث میان آن دو قائل‌اند.

اصل کرامت و جایگاه شایسته کودک

اولین اصلی که در بررسی آیات و روایات در مورد کودک قابل درک است. «اصل کرامت و جایگاه شایسته کودک» است.

در روایات پیغمبر (ص) آمده که پیامبر در خطاب به همه‌ی جامعه نسبت به تمامی فرزندان می‌فرماید: «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرُ لَكُمْ» (وسائل‌الشیعه ج: ۲۱ ص: ۴۷۷ روایت ۲۷۶۲۹ و نهج‌الفصاحه ص ۲۳۹)، اولادتان را اکرام کنید، فرزندانتان را گرامی دارید و به نیکی تربیت‌شان کنید تا مورد مغفرت خداوند قرار بگیرید.

کرامت یعنی این‌که هیچ‌گونه نقصی در تلقی از کودکانتان و برخورد با آنان نداشته باشید. مرحوم راغب اصفهانی در تفسیر «کریم» می‌گوید: عرب هرچه را می‌خواهد بگوید متعالی، کامل و بی‌عیب و نقص است می‌گوید کریم است. (کلّ شیء شرف فی بابه فإنه یوصف بالکرم).

قران کریم زمانی که از هرچیز به غایت کمال و زیبایی یاد می‌کند می‌گوید کریم است؛ مانند «رزق کریم» (انفال (۸) آیه ۴) یعنی روزی بی‌عیب و نقص و یا «زوج کریم» (شعراء (۲۶) آیه ۷)، «قولا کریم» (اسراء (۱۷) آیه ۲۳) و یا «قران کریم» (واقعه (۵۶) آیه ۷۷) و... عرب نیز مثلاً به اسب خوب خود می‌گوید کریم، به پول گرانبها می‌گوید کریم، به انسان نیکو می‌گوید کریم. پس وقتی پیامبر اکرم می‌فرماید اکرموا اولادکم، فرزندانتان را گرامی بدارید یعنی با آنان چون انسانی بلند مرتبه و محترم برخورد کنید و بزرگش بدارید؛ پس به اصل کرامت کودکان به عنوان یک اصل مبنایی اشاره می‌فرماید.

لذا خداوند وقتی می‌خواهد تعبیر کند به این که به شما کودک می‌دهم به پدر و مادری، فرزند می‌دهم از کودک به هدیه الهی یاد می‌کند. در سوره شوری (۴۲) آیه ۴۹ می‌فرماید: «يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكَوْرَ» خداوند به هرکه می‌خواهد دختران را و به هرکه می‌خواهد پسران را هدیه می‌کند. اگر شما آیات قرآنی را ملاحظه کنید می‌بینید جالب است خدا وقتی می‌خواهد به پیامبران مثلاً زکریا یا ابراهیم هم فرزند بدهد از همین تعبیر هدیه استفاده می‌کند، «وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ» «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى» انبیاء (۲۱) آیات ۷۲ و ۹۰) فرزند، یعنی فرزندی که می‌خواهد پیامبر بشود هدیه خداست فرزند معمولی یک انسان معمولی هم باز هدیه‌ی خداست، با هدایای الهی همان گونه که خدا می‌پسندد باید رفتار کرد، در غیر این صورت نه اخلاقی عمل کرده‌ایم و نه حقوقی.

جایگاه کودکان نامشروع در جامعه اسلامی

کودکان نامشروع به‌رغم محرومیت از نسب مشروع و آثار قانونی آن، از اعضای امت اسلامی به شمار می‌روند و ضمن برخورداری از حقوق عام فردی و اجتماعی — در صورتی که نامشروع بودن نسب آن‌ها با ادله محکمه پسند اثبات شود— تنها از معدودی از مشاغل اجتماعی، از جمله قضاوت، محروم شمرده می‌شوند این محدودیتها نیز، نه به قصد آزردن چنین کودکانی، بلکه با هدف پیشگیری از رواج روابط نامشروع و پدید آمدن این‌گونه فرزندان در خارج از نهاد خانواده و نیز مکافات سرپیچی پدر و مادر از دستورات شرع و نظام حقوقی جامعه مقرر شده است و تأکیدی است بر این‌که تنها راه داشتن فرزند،

تشکیل خانواده و تنظیم روابط خانوادگی است؛ از این رو، در رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۳ تیر ۱۳۷۶، کودکی که ناشی از روابط آزاد جنسی است فرزند طبیعی (عرفی) پدر و مادر خود قلمداد شده و آن دو مکلف به گرفتن شناسنامه برای او و حضانت و پرداخت مخارج او شده‌اند، هر چند رابطه توارث و نیز ولایت میان فرزند و والدین منتفی است؛ بنابراین، این گونه والدین تکلیف دارند ولی حقی ندارند.

رعایت منافع عالیہ کودکان:

دومین اصلی که در آیات قرآنی می‌توانیم به دست آوریم «اصل رعایت منافع عالیہ کودکان» است. این اصل در متون فقهی با عنوان «غبطه» معرفی می‌شود فقها می‌گویند در هنگام تصمیم‌گیری در مورد کودکان باید غبطه یعنی مصلحت کودک رعایت شود. برخی از آیات را در این مورد مرور می‌کنیم: در سوره بقره آیه ۲۲۰ مردم از پیامبر «ص» دو سؤال کردند. درباره زنان و درباره کودکان، دو قشری که در زمان پیامبر از حقوق کمتری برخوردار بودند. در باره کودکان خداوند یک آیه کلی ذکر می‌کند، آن هم در مورد کودکان یتیم و بی سرپرست به عنوان ضعیف‌ترین و آسیب‌پذیرترین آنان. آیه ۲۲۰ بقره به زیبایی در سه کلمه منافع کودک را ذکر می‌کند.

محتوای قاعده این است؛ برای کودکان تلاش کنید تا وضع آنها را بهبود بخشید. در همین آیه قاعده بعدی را ذکر می‌کند. گفتیم اولین اصل در کنوانسیون حقوق کودک اصل عدم تبعیض است این که کودکان مانند و در حد بزرگسالان دارای حق می‌باشند موضوع حق نیستند بلکه مانند بزرگسالان صاحب حق هستند. در دنباله آیه می‌گوید اگر قرار است با کودکان رابطه و تعامل داشته باشید مثلاً رابطه مالی، اجتماعی، غیره بدانید که این کودکان برادران شما هستند. یعنی اولاً بدون تبعیض با بزرگسالان با آنان رفتار کنید و ثانیاً باید مورد محبت شما قرار بگیرند.

« وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ » مکلف هستید در مورد کودکان بی پناه به عدالت اقدام کنید یعنی؛ عزم نمایید، برنامه ریزی کنید، عمل کنید تا به طور محسوس به عدالت تحقق بخشید.

یک کلمه زیبای قرآنی «قسط» به معنای عدل است. اما ویژگی‌ای در قسط هست که در عدل نیست. در کلمه قسط عدالت قابل اجرا و به منصفه ظهور رسیده مورد توجه است. در آیاتی خداوند از عدالت صحبت می‌کند و بعد در قواعد اجتماعی می‌فرماید شما مقسط باشید؛ یعنی در قسط عدالتی که زمان و مکان و شرایط اجتماعی در آن لحاظ شده است، می‌باشد.

اصل رشد و تعالی کودکان و تربیت نیکو

سوره نساء (۴) آیه ۲ (وَأْتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا) دو نکته را ذکر می‌کند؛ نکته اول: کودکان را یک پتانسیل و یک توان پاک و کامل می‌داند، وقتی می‌خواهد از ذات و وجود ذاتی

کودکان تعبیر کند، از کلمه طیب یعنی پاک، پاکیزه استفاده می کند، می گوید: کودکان که همگی عناصر پاکی هستند و سرشت‌های پاک دارند مبادا آنها را به عناصر ناپسند تغییر دهید. کودکان که سرشت‌های پاکی دارند ممکن است در اثر سوءرفتار یا تصمیمات ناپسند یا نابخردانه شما به عناصر ناپسند تبدیل شوند. بپرهیزید که پاکان را به بدان تبدیل نکنید، کودکان را با رفتارهای سزاوار باید تربیت نمود.

زیرا آثار رفتار سوء شما دامنگیر خودتان نیز می شود. به همین سبب در سوره نساء آیه ۸۵ می گوید: (مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا وَمَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِّنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقِيتًا) لذا در همان سوره نساء آیه ۲۷ انفال (۸) می فرماید « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ » خداوند به شما امر می کند که با امانت‌هایتان به شایستگی رفتار کنید.

اصل توجه به نیاز و رفع نیاز کودکان

این اصل، در سوره ماعون این اصل به زیبایی مطرح شده است «أرأيت الذي يكذب بالدينِ فذلك الذي يدعُ اليتيم» در این سوره نشانه های فرد بی اعتقاد به دین و معاد را بیان می کند به قول امروزی ها علامت و نشانه می دهد، می گوید او کسی است که یتیمان را از خودش می راند به جای آنکه آنان را در پناه خود بگیرد و پرورش بدهد و رفع نیاز بکند، یتیم نیازمند را از خودش می راند و بعد می گوید: «و لا يحض على طعام المسكين» نه تنها باید نیاز مسکین را برطرف کند بلکه باید دیگران را نیز به این مهم ترغیب کند.

در اسناد حقوق بشری و بشردوستانه، یک عنوان «تعهد مثبت» داریم (Ensure respect) که دولت‌ها نه تنها باید به حقوق کودک احترام بگذارند بلکه باید تضمین کنند که دیگران هم به کودک احترام بگذارند این آیه هم همین را بیان می کند بعد ذکر می کند وای بر نمازگزاران که فقط ریا می کنند و خودگرا شده‌اند و توجه به نیاز نیازمندان نمی کنند. و وای بر آنانی که به دیگران و نیازهای انسانی آنان بی توجه اند و آنها را منع می کنند. توجه به نیاز کودکان به ویژه کودکان در معرض آسیب اولین امری است که می تواند نشانه دینداری باشد. وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يُرَأَوْنَ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ {الماعون ۳-۷}

اگر کودک یا نوجوانی مرتکب جرمی شود، به این معنا است که یکی یا چند متصدی؛ شامل والدین، جامعه، و یا دولت و دولتمردان تعهدات خود نسبت به حمایت از حقوق آن کودکان و نوجوانان را نادیده گرفته.

اصل رحمت و تعاون در جهت منافع کودکان

پیامبر می فرماید: با کودکان خود رحیمانه برخورد کنید «ارْحَمُوا صِبْغَانَكُمْ» (وسائل الشیعه ج : ۱۰ ص : ۳۱۳ ح ۱۳۴۹۴) رحمت یعنی محبتی که به دنبال عوض آن نیستید. چون انسان ها معمولاً کارها را معاملاتی انجام می دهند کاری برای

کسی می‌کنند که در مقابل برداشتی داشته باشند اما ارحموا... یعنی اقدام به کار خیری که در مقابل منتظر هیچ پاداش یا عکس‌العملی برای خوتان نیستید، با کودکانتان رحیمانه برخورد کنید و در این رحمت با هم تعاون داشته باشید پیوسته و نظام مند و هم سو عمل کنید. نه تنها با کودکان بلکه هر خوبی را همگی با هم انجام دهیم نه در تقابل با یکدیگر بدون این که ارتباطی فیما بین شما وجود داشته باشد چون بسیاری از کودکان معطل می‌مانند در حالی که وقتی خداوند دعوت به کار خیر می‌کند می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» مائده (۵) آیه ۲ یعنی با هم در امور پسندیده منسجم و همداستان باشید.

اصل وفای به عهد

از اصول مسلم اسلامی در حقوق کودکان و مسائل دیگر «اصل وفای به عهد» است. خداوند در موارد متعددی از قرآن به وفای به پیمان امر می‌کند و در اولین آیه از سوره مائده که از آخرین سوره‌هایی است که بر پیامبر (ص) وحی شده است می‌فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ » و علی (ع) در کلامی بلند به مالک به عنوان امیر مصر و یک حاکم اسلامی می‌گوید: (به عهد خویش وفا کن و آنچه را بر ذمه داری ادا نما. و خود را چون سپری برابر پیمانت بر پا کن، چه مردم با همه هواهای گونه‌گون که دارند، و رأی‌های مخالف یکدیگر که در میان آرند بر هیچ چیز از واجب‌های خدا چون بزرگ شمردن وفای به عهد سخت همداستان نیستند و مشرکان نیز جدا از مسلمانان وفای به عهد را میان خود لازم می‌شمردند چه زیان پایان ناگوار پیمان شکنی را بردند. پس در آن‌چه به عهده گرفته‌ای خیانت مکن و پیمانی را که بسته‌ای مشکن و دشمنت را که- در پیمان توست- مفرب که جز نادان بدبخت بر خدا دلیری نکند. و خدا پیمان و زینهار خود را امانی قرار داده، و از در رحمت به بندگان رعایت آن را بر عهده همگان نهاده، و چون حریمی استوارش ساخته تا در استواری آن بیارمند و رخت به پناه آن کشند. پس در پیمان نه خیانتی توان کرد، و نه فریبی داد، و نه مکرری پیش آورد، و پیمانی مبند که آن را تأویلی توان کرد- یا رخنه‌ای در آن پدید آورد- و چون پیمان استوار شد و عهدت برقرار- راه خیانت مپوی- و برای به هم زدنش خلاف معنی لفظ را مجوی، و مبادا سختی پیمانی که بر عهده‌ات فتاده و عهد خدا آن را بر گردنت نهاده، سر بردارد و تو را- به ناحق- بر به هم زدن آن پیمان وادارد، که شکیبایی کردنت در کار دشواری که گشایش آن را امیدواری، و پایان نیکویی‌اش را در انتظار، بهتر از مکرری است که از کیفر آن ترسانی، و این که خدا تو را چنان بازخواست کند که درخواست بخشش او را در دنیا و آخرت نتوان.

و چون جمهوری اسلامی ایران عضو میثاق حقوق مدنی و سیاسی است و بر اساس ماده ۹ قانون مدنی ایران - مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقدشده باشد در حکم قانون است. قاضی، مقنن و مجری باید به مفاد این میثاق در مورد کودکان پایبند بماند.

این اصول برخی از اصول حاکم بر حقوق کودکان (و نه همه آنها به جهت رعایت وقت از ذکر برخی دیگر معذور هستیم) اصولی که هم مجتهد باید مورد توجه قرار دهد در هنگام فتوی و هم مقنن به هنگام تقنین راجع به حقوق کودک و هم قاضی هنگام صدور حکم در مورد کودکان، هم خانواده و نهادهای دیگر. تمام قواعد اسلامی را در ذیل این اصول باید پوشش دهید.

حقوق فرزندخوانده‌ها

در شرع اسلام، رابطه ابوت و فرزندی تنها از راه‌هایی معین و مضبوط، از جمله نسب و رضاع حاصل می‌شود؛ از این رو با این‌که نگهداری و حمایت از کودکان یتیم یا بی‌سرپرست و تربیت آن‌ها کاری بسیار پسندیده به شمار آمده و بر آن تأکید شده است؛ ولی میان این کودکان و سرپرستان آنان هیچگونه قرابت نسبی ایجاد نمی‌شود و فرزندخواندگی (یا تَبَنّی یعنی به فرزندی پذیرفتن فرزند فردی دیگر) به رسمیت شناخته نشده و آثار ناشی از قرابت نسبی، مانند وراثت، محرمیت (از جمله حرمت ازدواج) و ولایت قهری را نیز در بر ندارد .

در ایران، به منظور تأمین منافع مادی و معنوی این‌گونه کودکان، در ۱۳۵۳ش قانون «حمایت از کودکان بدون سرپرست» به تصویب رسید که به موجب آن، خانواده‌های داوطلب و واجد شرایط، با صلاحدید دادگاه و پس از گذراندن دوران آزمایشی (به مدت شش ماه) می‌توانند سرپرستی این کودکان را احراز کنند. مطابق ماده ۱۱ این قانون «وظایف و تکالیف سرپرست و طفل تحت سرپرستی او از لحاظ نگاهداری و تربیت و نفقه و احترام، نظیر حقوق و تکالیف اولاد و پدر و مادر است». به علاوه، به استناد تبصره ماده یاد شده، اداره کردن اموال و نمایندگی قانونی کودک پس از صدور حکم سرپرستی به عهده سرپرست (به عنوان قیم) است جز آن‌که دادگاه ترتیب دیگری اتخاذ کند. این آثار به اشخاص ثالث مانند پدر و فرزندان سرپرست و نیز وصیّ او قابل تعمیم یا انتقال نیست

تفاوت حقوق جنین با بزرگسالان

در برخورداری از حقوق مالی، مانند ارث و وصیت، نیز هیچ تفاوتی میان کودک و بزرگسال نیست. حتی جنین نیز ارث می‌برد و از وصیت منتفع می‌شود. سهم الارث جنین نیز با بزرگسال یکسان است .

براین اساس در فقه اسلامی، کودک از ابتدای دوره جنینی اصولاً از همه حقوق انسان که ماهیتاً به بعد از تولد یا سن خاصی از زندگی اختصاص ندارد برخوردارست؛ ولی در این باره دو نکته، درخور توجه است: نخست آن‌که اهلیت جنین در برخورداری از این حقوق، متزلزل است، یعنی استقرار (فعلیت یافتن) آن حقوق مشروط به زنده متولد شدن اوست؛ دیگر

آن که کودک، اهلیت متمتع شدن از حقوق را دارد؛ ولی اهلیت استیفای آن حقوق را در دوره کودکی ندارد؛ ولی چنانچه به هر علتی حقوق او استیفا نشود خود می‌تواند در بزرگسالی (پس از بلوغ) آن حقوق را استیفا کند .

براساس قوانین ایران نیز کودکان، مانند بزرگسالان، جز شماری از حقوق سیاسی، از همه حقوق مدنی برخوردارند ولی تا رفع محجوریت، نمی‌توانند حقوق مالی خود را اعمال کنند .

گفتنی است که در قوانین شماری از کشورها، جنین تا زمان تولد، قسمتی از بدن مادر (حامل) قلمداد می‌شود و هیچ‌گونه حق قانونی مستقلی ندارد.

حقوق موقت

بخش دوم از حقوق کودک، موقت است؛ یعنی، محدود به دوران کودکی و ناظر به محدودیت‌های جسمی و روحی کودک است.

حضانت

از جمله مهم‌ترین این حقوق، حضانت (نگاهداری و تربیت) اوست که از بدو تولد وی ضرورت می‌یابد. اهمیت فوق‌العاده این مسئله از آن روست که از یک سو، از حقوق بنیادی کودک و بستری برای استیفای سایر حقوق اوست و از سوی دیگر، نوعی حق اولویت برای حاضن (حضانت‌کننده) به شمار می‌آید. موضوع حضانت در بسیاری موارد، به‌ویژه در موارد جدا شدن والدین از یکدیگر یا فوت یکی از آن دو یا فوت هر دو به چالشی جدی تبدیل می‌شود. از سوی دیگر، موضوع حضانت، با مباحث مربوط به ولایت، وصایت و قیمومیت بر کودک ارتباط وثیقی دارد. دیگر نکته درخور توجه این است که حضانت نسبت به حاضن، آمیزه‌ای دو وجهی از حق و تکلیف به شمار می‌رود که در هر دو وجه آن والدین کودک اولویت دارند. درباره اولویت داشتن یکی از والدین بر دیگری و ترتیب اولویت اشخاص دیگر، دیدگاه‌های گوناگونی در فقه و حقوق ابراز شده است. امام خمینی در خصوص تقدم و تاخر پدر و مادر نسبت به یکدیگر در امر حضانت، نگهداری و تربیت کودک تا زمان بلوغ و رشد می‌نویسد:

" مادر به حضانت فرزند و تربیت او و آنچه که به حضانت او تعلق دارد از جهت مصلحت حفظ بچه در مدت شیر دادن -یعنی دو سال- سزاوارتر است، در صورتی که مادر حرّ و مسلمان و عاقل باشد؛ چه بچه پسر باشد یا دختر؛ چه او را خودش شیر

دهد یا دیگری، پس برای پدر جایز نیست که او را در این مدت از مادر بگیرد اگر چه بنا بر احوط (وجوبی)، مادر او را از شیر گرفته باشد. پس اگر مدت شیر دادن تمام شود پدر سزاوارتر به پسر و مادر سزاوارتر به دختر است تا اینکه به هفت سال برسد سپس پدر احق به او است. و اگر پدر از مادر با فسخ یا طلاق قبل از آن که دختر به هفت سال برسد، جدا شود حق مادر ساقط نمی‌شود مادامی که با دیگری ازدواج ننماید، پس اگر ازدواج نمود حق مادر از پسر و دختر، ساقط می‌شود و حضانت مال پدر می‌شود. و اگر شوهر دوم از او جدا شد، بعید نیست که حق مادر برگردد و احوط (استحبابی) آن است که تسالم و تصالح نمایند."

و «اگر پدر بعد از انتقال حضانت به او یا قبل از آن بمیرد، مادر اگرچه ازدواج کرده باشد سزاوارتر به حضانت فرزند است از وصی پدرش؛ خواه بچه پسر باشد یا دختر؛ و همچنین از باقی خویشان پدر حتی پدر پدر او و مادر پدر او، تا چه رسد به غیر آنها. چنان که اگر مادر در زمان حضانتش بمیرد پس پدر از غیر او به آن احق است .

در قوانین ایران نیز مسئله حضانت کودک، مورد توجه خاص قرار گرفته و دو سویه بودن این حق، پذیرفته شده است. در مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹ قانون مدنی ایران، مهم‌ترین مصادیق حضانت کودکان چنین ذکر شده است: به کار بردن وسایل لازم برای بقا، نمو و بهداشت جسمی و روحی کودک، مانند تأمین غذا و پوشاک، تمیز نگاه داشتن بدن و لباس کودک، مراقبت‌های پزشکی و به‌طور کلی هر آنچه که مقتضای سن کودک است .

تغذیه مناسب

یکی از حقوق مهم کودک، تغذیه مناسب است. با توجه به این که نخستین غذای هر کودک شیر است، مادران توصیه شده‌اند که در دوره شیرخوارگی، حتی‌المقدور شیر خود را خوراک او قرار دهند، هر چند این کار به نظر بیش‌تر فقها تکلیف الزامی او به شمار نرفته است و در مواردی او برای این کار حق درخواست اجرت هم دارد .

قانون مدنی ایران بر ملزم نبودن مادر به شیردادن بچه تأکید کرده است. با این همه، به منظور رعایت حقوق کودک و تأمین سلامتی او، در صورتی که تغذیه طفل به غیر از شیر مادر ممکن نباشد، آن را الزامی شمرده است.

تعلیم و تربیت

در آموزه‌های دینی، تعلیم و تربیت کودک در زمره حقوق او معرفی شده، به‌ویژه بر آموزش قرآن و احکام شرعی، خواندن و نوشتن و برخی مهارت‌های عملی و رزمی به او تأکید شده و گاه واجب به شمار رفته است

براساس قوانین ایران، تعلیم کودک حق مسلم اوست و دولت و اولیای کودک، همگی در این مسئولیت شریک‌اند. از سویی، مطابق اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان تا پایان دوره متوسطه را برای همه ملت فراهم کند. از سوی دیگر، به موجب قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی، مصوب مرداد ۱۳۵۳، اولیا یا سرپرستان قانونی کودکان موظف‌اند با استفاده از امکانات، کودکان خود را به فراگیری دانش یا یادگرفتن حرفه‌ای بگمارند و نمی‌توانند مواردی مانند تنگدستی را دستاویزی برای امتناع از این کار قرار دهند. حتی برای جلوگیری کردن از تحصیل کودکان، کیفر جزای نقدی و در مواردی، مجازات حبس پیش‌بینی شده است. قانون‌گذار ایرانی چنان به آموزش کودکان اهمیت داده که حتی در کانون‌های اصلاح و تربیت و ندامتگاه‌های ویژه کودکان و نوجوانان کلاس‌های درس تشکیل می‌گردد تا در تحصیل آن‌ها وقفه‌ای ایجاد نشود.

اهمیت تربیت صحیح کودک از نظر اسلام تا جایی است که در فقه پیش‌بینی شده است در صورتی که عمل به حق‌الحضانه باعث فساد و انحراف اخلاقی و تربیتی باشد و "کودک در معرض فساد دینی یا اخلاقی قرار می‌گیرد، پدر صلاحیت حضانت را مادام که چنین است ندارد".

اشتغال کودکان

در قوانین ایران برای اشتغال کودکان و نوجوانان مقررات ویژه‌ای منظور شده است. مطابق ماده ۷۹ قانون کار، «به کار گماردن افراد کمتر از پانزده سال تمام ممنوع است». کارفرمایان متخلف از این قانون، با کیفر جزای نقدی و در صورت تکرار تخلف، با حبس مجازات می‌شوند (ماده ۱۷۶). ماده ۸۰ این قانون، کارگران پانزده تا هجده ساله را کارگر نوجوان نامیده است. همچنین قانون کار سپردن کارهای سخت و زیان‌آور، به تشخیص وزارت کار و امور اجتماعی، اضافه‌کاری و کار در شب را به آنان ممنوع کرده و برای سایر کارها و نیز مقدار کار روزانه آن‌ها مقرراتی وضع کرده است. به منظور رعایت تناسب نوع کار با توانایی نوجوانان، سازمان تأمین اجتماعی به موجب مواد ۸۰ و ۸۱ این قانون موظف شده که در بدو استخدام و نیز دست کم سالی یک‌بار پس از آن از آنان معاینات پزشکی لازم به عمل آورد.

فصل سوم: مسؤلیت کیفی کودکان

مقدمه

کودکان به لحاظ ویژگی های خاص جسمی و روانی در محیط زندگی و در مواجهه با رویدادهای اطراف خود محتاج حمایت های ویژه هستند. برخی از این حمایت ها کلی بوده و دولت براساس تعهداتی که به ملت دارد می بایست با تمام امکانات

خود سعی در تحقق خواست های حمایتی این قشر آسیب پذیر نماید. اما برخی از حمایت ها مخصوص زمانی است که کودک به هر نحو وارد یک نظام قضایی می گردد.

حساسیت کودک و آسیب پذیری بیشتر وی از حیث روانی و جسمی مستلزم حمایت ویژه آنان از سوی خانواده و جامعه می باشد. شناسایی زمینه های خطر و تهدیدات در جامعه ی معاصر، با توجه به پیچیدگی و گسترش روابط انسانی، تکنولوژی، تجارت و اقتصاد، شناسایی وظایف دولت (در معنای عام شامل هر سه قوه) ضروری می باشد. چون جرایم و انحرافات در بستر مناسب رشد و نمو پیدا می کند،

اشخاصی که بر کودک ولایت دارند

از جمله مهم ترین مباحث فقهی مرتبط با حقوق کودک، موضوع ولایت و سرپرستی اوست. در قبال هر دو بخش حقوق کودک، اشخاص حقیقی و حقوقی خاصی مسئول به شمار رفته اند: اغلب، خانواده کودک، گاه اشخاص دیگر و گاهی نیز حاکم شرع و دولت. اشخاص یاد شده مکلف اند حقوق کودک را استیفا کنند؛ مثلاً اقامه دعوا به نفع کودک در بیش تر دعاوی و نیز اداره کردن اموال کودک در دوره کودکی برعهده ولیّ اوست. به نظر مشهور در میان فقیهان امامی و شافعی، ولایت بر کودکان به ترتیب برعهده ولیّ خاص یعنی ولیّ قهری (پدر و جد پدری) و وصی ولیّ قهری و ولیّ عام یعنی حاکم اسلامی است. شماری از مذاهب فقهی، به ترتیب دیگری قائل شده اند. برخی مذاهب نیز ولایت جد پدری را نپذیرفته اند.

در تحریرالوسیله در این باره آمده است: «ولایت تصرف در مال طفل و ملاحظه مصالح و شؤون او با پدر و جد پدری است. و با نبود آن ها، قیّم یکی از آن ها چنین ولایتی دارد. و قیّم کسی است که یکی از پدر و جدّ وصیت کند که ناظر در امور طفل باشد. و با نبود قیّم، ولایت او با حاکم شرع است. و اما مادر و جد مادری و برادر تا چه رسد به سایر نزدیکان، ولایتی بر او ندارند. البته در صورت نبود حاکم شرع، ولایت او برای مؤمنین است که بنا بر احتیاط (واجب) باید دارای صفت عدالت باشند.

بنابراین استیفای حق کودک، خود یکی از حقوق کودک است؛ مثلاً اگر جرمی علیه کودک روی دهد یا حقی از او تضییع شود، ولیّ او موظف است حق او را با رعایت مصالح کودک بستاند؛ از این رو، به نظر می رسد که اسلام در تشریح ولایت بیش از آن که به حق ولیّ نظر داشته باشد، او را مسئول دانسته و به حق مولی علیه توجه داشته است.

حقوق و تکالیف کیفری

از جمله مباحث مهم در زمینه حقوق کودک، حقوق و تکالیف کیفری اوست که در دو عرصه قابل بررسی است: یکی هنگامی که جرمی بر کودک واقع شود؛ دیگر این که جرم را کودک، مرتکب شود.

در واقع زمانی که مسئولیت کیفری مطرح می گردد به معنای این است که فرد مرتکب عملی شده است که طبق قانون جرم شناخته شده است و مرتکب در برابر قانون و جامعه مسئول جبران عمل خویش است.

قانونگذار در قوانین مجازات فرد مرتکب را تعیین کرده است و حتی برای برقراری عدالت میان طرفین شرایط مرتکب را در نظر گرفته است که اگر فرد مرتکب دارای شرایطی باشد مانع مسئولیت کیفری او می شود.

موارد مؤثر نبودن در شدت و تخفیف جرم

اصولاً سن کسی که جرم علیه او واقع شده (مجنی علیه)، تأثیری در میزان مجازات مجرم ندارد و کیفر جرائم ارتكابی، چه برضد کودکان حتی در دوره جنینی – چه برضد بزرگسالان، یکسان است حتی در پاره‌ای جرائم، مانند انسان‌ربایی، کودک بودن مجنی علیه سبب محکومیت مجرم به اشد مجازات می شود

موارد مؤثر در تخفیف جرم

در فقه اسلامی، کودک بودن مجنی علیه در برخی موارد معدود سبب تخفیف مجازات مجرم می‌گردد، مثلاً زناي زن مُحْصَنه با نابالغ به نظر مشهور فقیهان امامی . و نیز بر پایه قوانین ایران: میزان حدّ را از رجم به یکصد ضربه تازیانه تقلیل می‌دهد و به نظر برخی از فقیهان اهل سنت اصولاً موجب سقوط اجرای حد می‌شود . همچنین نابالغ بودن کسی که به زنا یا لواط متهم شده براساس فقه اسلامی . و قوانین ایران موجب تعزیر قذف کننده است نه اجرای حدّ قذف. سبب تخفیف مجازات در این دو مورد، خروج موضوعی این موارد از حکم زناي محصنه و قذف بوده است؛ به عبارت دیگر، در مورد نخست، زناي محصنه و بلکه (به نظر برخی) زنا صورت نگرفته زیرا یکی از شروط تحقق آن، بلوغ زانی است .

در مورد دوم نیز اساساً زنا یا لواط نمی‌توانسته تحقق یابد، زیرا از جمله شروط تحقق هر دو بلوغ فاعل است؛ در نتیجه، متهم شدن نابالغ (غیرمکلف) به زنا یا لواط، بدنامی فاحشی برای او در پی ندارد و قذف، موضوعیت خود را از دست داده و درواقع شبه قذف صورت گرفته است .

موارد مؤثر در شدت جرم

در قوانین ایران، انجام دادن برخی کارها در مورد کودکان عنوان مجرمانه یافته و گاه مشمول مجازات‌هایی سنگین شده است از جمله: ربودن یا مخفی کردن کودکی که تازه متولد شده یا او را به جای کودکی دیگر نهادن یا متعلق به زنی غیر از مادرش وانمود کردن؛ ربودن کودک به عنف یا تهدید یا حيله یا از هر راهی دیگر با انگیزه‌هایی چون مطالبه وجه یا ثروت یا انتقام‌گیری، چه شخصاً و چه با مباشرت فردی دیگر؛ رها کردن کودک، به ویژه در محلی خالی از سکنه؛ و استفاده از فرزند خردسال خود یا دیگری برای تکدی یا در اختیار دیگری قرار دادن فرزند خود بدین منظور

توجه ایران به حقوق کودکان

مجلس شورای اسلامی ایران در ۱۳۸۱ش «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان» را تصویب کرد که با توجه به جهت‌گیری‌های آن، می‌توان آن را نقطه عطفی در توجه قانون‌گذار ایرانی به حقوق کودکان و نوجوانان قلمداد کرد. زیرا این قانون شامل همه افراد زیر هجده سال می‌شود به علاوه، برای نخستین‌بار شکنجه روحی نیز جرم شناخته شده و از این مهم‌تر، کودک آزاری جرمی عمومی به شمار آمده است. بر این پایه، حق دادخواهی درباره آن از انحصار ولی کودک، که در بسیاری مواقع خود یا بستگانش متهم به ارتکاب آن هستند، خارج شده است و همه اشخاص دیگر، از جمله مادران، پرستاران و مددکاران، نیز می‌توانند برضد کودک آزار اعلام جرم کنند. براساس این قانون، هرگونه صدمه زدن و آزار رساندن به کودکان و نوجوانان، شکنجه جسمی و روحی و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت جسمی و روانی آن‌ها، جلوگیری کردن از تحصیل و خرید یا فروش آن‌ها، به کارگیری آن‌ها در کارهای خلاف، مانند قاچاق، و بهره‌کشی از آن‌ها جرم و مشمول مجازات‌هایی است. مطابق این قانون، «کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسئولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را به عهده دارند مکلف‌اند به محض مشاهده موارد کودک‌آزاری، مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضایی اعلام کنند. تخلف از این تکلیف موجب حبس تا شش ماه یا جزای نقدی یا پنج میلیون ریال خواهد بود.

نحوه رسیدگی در دادگاه اطفال

دادگاه مکانی است که برای محاکمه به آن مراجعه می‌کنند، همچنین جایگاهی است برای برقراری عدل و انصاف؛ ولی این مکان که در آن پر از سر و صدا و مشاجره است، جایگاه غریبی برای کودکان می‌باشد. این افراد کوچک تصورشان در مورد

این مکان و انسان های اطراف آن درست و واقعی نیست. این کودکان چنانچه خطایی را هم انجام بدهند، صادقانه آن را قبول می کنند و از کاری که مرتکب شده اند پشیمان می شوند.

اکنون در صورتی که این مخلوقات خوب خداوند، خواسته یا ناخواسته جرمی را مرتکب شوند، چه کاری باید انجام داد؟ این موضوعی است که در حال حاضر فکر روانشناسان و جامعه شناسان را به خود مشغول کرده است و با این وجود نتیجه های خوبی به دست نیامده است. عقل و انصاف حکم می کنند که این افراد کوچک، به خاطر داشتن سن کم و نبود رشد کافی قوای عقلانی، مورد توجه، پشتیبانی و همین طور توجهات ویژه ای از سوی قانون گذار قرار بگیرند.

لذا مراجع قضایی در اقدامی تاثیرگذار و خدایسندانه، محاکم مجزا و گوناگونی را جهت رسیدگی به جرم های کودکان به وجود آورده اند و آیین نامه های ویژه ای را برای آن مد نظر قرار داده اند. حتی در ماده ی ۴۰ پیمان نامه ی حقوق کودک که در سال ۱۹۸۹ میلادی در سازمان ملل متحد به تصویب رسید و تا به این زمان ۱۹۳ کشور به عضویت آن در آمده اند، مرجع قضایی جداگانه و بی طرفی برای رسیدگی به اتهامات کودکان و نوجوانان پیش بینی شده است.

مسئولیت کیفری اطفال

در سیستم قضایی ایران، قانون کیفری در سال ۱۳۰۴ مورد تصویب قرار گرفت که مواد ۳۴ تا ۳۹ آن وظیفه کیفری کودکان را عنوان می کرد. قانون تشکیل دادگاه کودکان مجرم، به سال ۱۳۳۸ مرتبط می باشد. این قانون، تحولی اساسی را در صلاحیت رسیدگی به جرم های صورت گرفته توسط کودکان و نوجوانان به دنبال داشت. ولی این قانون فقط در نقاط خاصی که دادگاه کودکان در آن ها برگزار شده بود صورت گرفت و مواد ۳۴ تا ۳۹ قانون مجازات مصوب ۱۳۳۴ بر آن مسلط بود.

در نتیجه، در قانون مجازات اسلامی که در سال ۱۳۶۱ به تصویب رسید و همین طور قانون مدنی، سن بلوغ که در دختران ۹ سال تمام قمری و در پسران ۱۵ سال تمام قمری بود، به عنوان سن برعهده گرفتن مسئولیت کیفری در نظر گرفته شد.

به جرم هایی که کودکان و نوجوانان تا سنین مذکور مرتکب شده اند، در دادگاه کودکان و طبق قوانین حاکم بر آن رسیدگی می شد و جرم های ارتكابی بعد از ۹ یا ۱۵ سال تمام قمری، در دادگاه های بزرگسالان مورد بررسی قرار می گرفت.

با اینکه در سال های بعد، قانون های قدیمی تصحیح می شدند و قوانین تازه ای مورد تصویب قرار می گیرند و رسیدگی در دادگاه کودکان و سن تکلیف کیفری مورد توجه، دستخوش تغییرات بسیاری شدند. ولی، در نتیجه با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، همه ی جرم هایی که کودکان و نوجوانان در سنین ۹ تا ۱۸ سال تمام شمسی انجام دادند، در مجموع در دادگاه کودکان مورد رسیدگی قرار می گیرند.

حتی در صورتی که جرم صورت گرفته، به طور گروهی همراه با بزرگسالان صورت گرفته باشد، جرم کودکان و نوجوانان در همان دادگاه کودکان رسیدگی می شود. اکنون در صورتی که در جریان رسیدگی به جرم، سن متهمی که کمتر هجده سال است، از هجده سال رد شود، باز هم دادگاه کودکان و نوجوانان جرم او را مورد رسیدگی قرار می دهند، ولی در صورتی که پیش از رسیدگی دادگاه، سن متهم از هجده سال نگذشته باشد، به اتهام وی در دادگاه کیفری بزرگسالان رسیدگی می گردد.

تشکیلات دادگاه کودکان

دادگاه کودکان و نوجوانان در حوزه ی قضایی شهرستان یا مرکز استان، در یک یا چند شعبه ایجاد می گردد که ریاست آن در شهرستان های غیر از مرکز استان برعهده رئیس دادگستری و در شهرستان های مرکز استان برعهده رئیس کل دادگاه های شهرستان مرکز استان خواهد بود.

قضات دادگاه کودکان، به واسطه رئیس قوه ی قضاییه و از میان قضاتی که دست کم دارای پنج سال سابقه ی خدمت قضایی می باشند، با رعایت سن و تأهل و ترجیحا داشتن فرزند، انتخاب می گردند.

رئیس کل دادگستری استان، در خصوص اقدامات تربیتی و حمایتی از کودکان، برای هر یک از شعبه های دادگاه کودکان، دست کم چهار نفر مرد و زن را از میان متخصصان علوم تربیتی، روان شناسی، جرم شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان مسلط به موضوعات روان شناختی و تربیتی اطفال و نوجوانان، از جمله شاغل یا بازنشسته، به مدت دو سال (انتخاب دوباره آن ها مانعی ندارد)، به عنوان مشاور دادگاه انتخاب می نماید تا در هر پرونده ی محول شده، رئیس شعبه به قید قرعه دو نفر از آن ها را انتخاب کند.

در کنار دادگاه کودکان و در محل ایجاد آن، شعبه ای از دادسرای عمومی و انقلاب که یکی از معاونان دادستان سرپرستی آن را برعهده دارد و در صورت نیاز یک یا چند دادیار و بازپرس دایر می شود.

اکنون در صورتی که جرم از طریق کودکان کمتر ۱۵ سال تمام صورت گیرد و مجازات قانون برای جرم انجام شده تنها حبس کمتر از ۳ سال یا آن جرم، جرمی منافی عفت نظیر زنا باشد، مرحله های تعقیب و تحقیق و رسیدگی تماما از طریق دادگاه کودکان انجام می شود، ولی در مواردی غیر از موارد عنوان شده، تعقیب و تحقیقات مورد نیاز پیرامون جرم از طریق دادسرا صورت می گیرد.

در روند پژوهش های مقدماتی، دادگاه، اطفال بین نه تا پانزده سال را به پدر و مادر یا سرپرست قانونی یا اگر این افراد نبودند به هر فرد حقیقی یا حقوقی که صلاح بداند تحویل می دهد تا در صورت لزوم وی را نزد دادگاه حاضر نماید. با اینکه خود کودک هم ملزم به حضور است. نوجوانان بین پانزده تا هجده سال یا به طور قبل تحت نظر قرار می گیرند یا برای آن ها کفیل مشخص می گردد. در این اشخاص نتوانند کفیل معرفی کنند یا در جرم های علیه امنیت یا جرم های سنگینی که مجازات قانونی آن ها اعدام، قصاص، سه یا بیش از سه سال حبس است حضور داشته باشند؛ دادگاه یا دادسرا این اجازه را دارد قرار نگهداری موقت متهمان پانزده تا هجده سال را در کانون اصلاح و تربیت صادر کند.

مجرم بودن کودک

جرم (بزهکاری) کودکان از دیرباز مورد توجه عالمان اخلاق و تعلیم و تربیت، روان شناسان کیفر و متخصصان حقوق جزا بوده و زمینه وقوع آن را اموری چون جدایی والدین یا سست بودن بنیاد خانواده، اعتیاد، فقدان تعلیم و تربیت صحیح، فقر و بیکاری و مواردی از این دست دانسته اند. در فقه اسلامی و قوانین ایران، به ادله گوناگون از جمله حدیث رفع، کودکان در صورت ارتکاب جرم، از مسئولیت کیفری مبرا هستند.

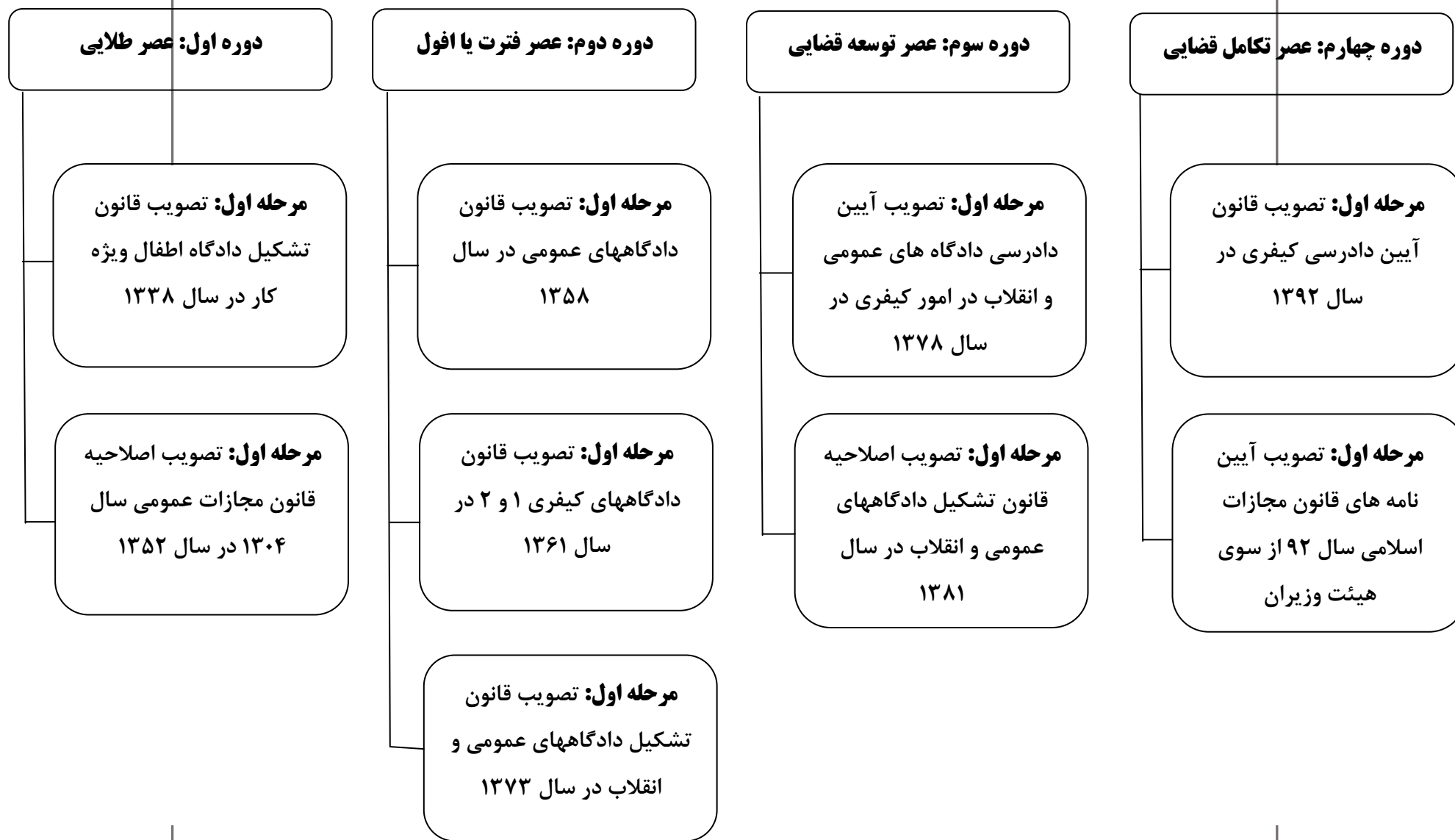
تعزیر کردن

به موجب قوانین کیفری ایران، کودک بزهکار، اگر غیرممیز باشد به سرپرست تحویل داده شده و بر لزوم تربیت وی تأکید می شود، مگر آن که فاقد سرپرست باشد یا سرپرست او صلاحیت نداشته باشد که به تشخیص دادگاه، برای مدتی به کانون اصلاح و تربیت فرستاده می شود؛ ولی کودک بزهکار ممیز، با این که مشمول حدود و قصاص نمی شود حاکم شرع (دادگاه) علاوه بر آن که سرپرست قانونی او را به تربیت او وادار می کند می تواند او را تعزیر (نوعی مجازات قانونی که میزان آن تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است) هم نماید. حتی در شماری از جرائم، از جمله قذف کردن، دادگاه موظف به تعزیر کودک ممیز است. تأدیب و تعزیر کودک، اگر مستلزم تنبیه بدنی او باشد، نباید شدید و غیر متعارف باشد و موجب خونریزی، خون مردگی یا کبودی شود؛ در غیر این صورت، مرتکب آن باید دیه بپردازد و گاه حتی مجازات می شود. زیرا هر چند در فقه اسلامی و قوانین ایران به منظور تربیت و تأدیب کودک و بازداشتن او از تکرار رفتارهای ناپسند، حتی به اولیا و سرپرستان کودک اجازه تنبیه محدود او داده شده است، ولی به طور کلی تنبیه کودک باید متناسب با روحیات و محیط اجتماعی او باشد و نباید از حد متعارف تأدیب فراتر رود.

پرداخت دیه

اگر کودک نابالغ، مرتکب قتل، جرح و ضرب شود پرداخت دیه بر عهده عاقله (بستگان ذکور نسبی به ترتیب طبقات ارث: پدر، اجداد پدری، برادر، پسران برادر، عمو و پسران عمو) و در صورت نبود عاقله یا استطاعت نداشتن او برعهده بیت‌المال است؛ ولی در خصوص اتلاف مال اشخاص، خود کودک ضامن است و ولی او باید از اموال کودک، خسارت زیان‌دیده را جبران کند .

تحولات دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در نظام قضایی ایران



دوره اول: عصر طلایی

مرحله دوم: تصویب اصلاحیه قانون مجازات
عمومی سال ۱۳۰۴ در سال ۱۳۵۲

مرحله اول: تصویب قانون تشکیل دادگاه
اطفال بزه کار در سال ۱۳۳۸

دوره دوم: عصر فترت یا افول

مرحله اول: تصویب قانون دادگاه های عمومی در سال ۱۳۵۸

مرحله دوم: تصویب قانون دادگاه های کیفری ۱ و ۲ در سال ۱۳۶۱

مرحله سوم: تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در
سال ۱۳۷۳

دوره سوم: عصر توسعه قضایی

مرحله اول: تصویب آیین دادرسی دادگاه
های عمومی و انقلاب در امور کیفری در سال
۱۳۷۸

مرحله دوم: تصویب اصلاحیه قانون تشکیل
دادگاه های عمومی و انقلاب در سال
۱۳۸۱

مرحله اول: تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲

دوره چهارم: عصر تکامل قضایی

مرحله دوم: تصویب آیین نامه های قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ از سوی هیئت
وزیران

تشکیلات قضایی دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان

دادسرای ویژه نوجوانان

دادگاه اطفال و نوجوانان

دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان

دادگاه تجدید نظر ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان

دادگاه کیفری ۲ به جانشینی از دادگاه اطفال و نوجوانان

دادگاه کیفری ۲

دادگاه عمومی بخش

دادگاه نظامی ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان

دیوانعالی کشور

تشکیلات غیر قضایی دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان

واحد مددکاری اجتماعی

پلیس اطفال و نوجوانان

مشاوران دادگاه ها

وکلای تسخیری

شورای حل اختلاف

کانون اصلاح و تربیت

موسسات میانجیگری

سازمان های مردم نهاد

فصل چهارم: مسؤلیت دولت و سازمانهای مردم نهاد در قبال حقوق کودک

مقدمه:

همه انسان‌ها برای زندگی، نیازمند امنیت جسمی، روحی، اقتصادی، اجتماعی و غیره هستند. در این میان، کودکان به لحاظ کم‌توان بودن در حفاظت از خود در مواجهه با مشکلات مختلف، نیازمند مراقبت و حمایت از سوی والدین و دیگر افراد جامعه هستند. با توجه به اینکه هر جامعه‌ای درک و تعریف متفاوتی از کودک دارد، قوانین مختلفی در راستای حمایت از حقوق کودکان تعیین می‌شود. چرا که کودکان هر جامعه بنا بر شرایط محیطی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، زندگی متفاوتی نسبت به کودکان جوامع دیگر دارند. از زمانی که جنین تشکیل می‌شود، حقوقی انسانی برای او در نظر گرفته می‌شود. این حقوق، قوانینی انسان دوستانه به منظور حمایت، نگهداری و سهولت زندگی کودکان هستند.

دیدگاه گذشتگان نسبت به حقوق کودک

دیدگاه گذشتگان نسبت به حقوق کودک این بود که؛ کودک یک فرد انسانی کامل نیست به عنوان یک فرد ناقص و ناتمام و غیرمستکمل به کودک نظاره می‌شد لذا سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی بر آن شدند که کودک را به عنوان یک فرد انسانی کامل معرفی کنند ولی با توجه به سن و شرایط او ابزار حمایتی را برای کودک در جهت ارتقای رشد جسمی و روانی کودک فراهم آوردند بنابراین در مبنای اعلامیه حقوق کودک یا پیمان‌نامه حقوق کودک، کودک یک فرد کامل انسانی و بهره‌مند از همه حقوق انسانی است اما این کودک نیازمند حمایت است تا بتواند به عنوان یک شخص بالغ در آینده در نظام اجتماعی شکوفا شود.

حقوق کودک در مقرات بین الملل:

اعلامیه حقوق کودک ۱۹۵۹

اولین اقدام قانونی در حمایت از حقوق کودک در سال ۱۹۲۴ توسط مجمع عمومی جامعه ملل (League of Nations) به عمل آمد. این مرجع اولین اعلامیه پنج ماده‌ای حقوق کودک که توسط یک سازمان غیر دولتی بین‌المللی تهیه شده بود را طی قطعنامه‌ای به تصویب رساند. این اعلامیه به نام اعلامیه ژنو حقوق کودک ۱۹۲۴ شناخته می‌شود. پس از تصویب این اعلامیه، با تاسیس سازمان ملل متحد و تدوین منشور سازمان ملل متحد و متعاقب آن تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸).

حقوق کودکان به طور خاص در بند ۲ ماده ۲۵ اعلامیه مزبور مورد توجه قرار گرفت.

با این حال وضعیت و شرایط ویژه‌ای که کودکان دارا بودند و آسیب‌ها و صدماتی که به سبب همین شرایط خاص‌شان متوجه آنها شده بود ضرورت توجه بیشتر به حقوق آنها و حمایت از آنها را در قالب اسناد مجزا و خاص آشکار می‌ساخت. به همین دلیل توجه به مسایل و حقوق کودکان به طور خاص مورد اهتمام سازمان ملل قرار گرفت و در همین راستا کمیسیون توسعه اجتماعی که از جمله کمیسیون‌های شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (ECOSOC) محسوب می‌گردد اقدام به تهیه طرحی به نام پیش نویس اصول اعلامیه حقوق کودک نمود.

در سال ۱۹۵۹، پیش نویس اعلامیه جهانی حقوق کودک توسط کمیسیون حقوق بشر به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل ارائه گردید و مجمع عمومی سازمان ملل در اجلاس بیستم نوامبر ۱۹۵۹ طی قطعنامه‌ای به اتفاق آرا آن را مورد تصویب قرار داد و به این ترتیب اعلامیه حقوق کودک طی قطعنامه شماره (XIV) به تصویب رسید.

اعلامیه حقوق کودک از جمله مباحث حقوقی می‌باشد. این اعلامیه در زمره اسناد خاص حقوق بشری بوده که هدف آن حمایت از گروه آسیب‌پذیری چون کودکان می‌باشد. این اعلامیه در واقع به نوعی اولین سند حقوقی مستقل جهت حمایت از کودکان جهان محسوب می‌شود و مشتمل بر یک مقدمه و ده اصل می‌باشد. چنانکه از نام این سند نیز آشکار می‌گردد، سند مزبور در زمره اسناد حقوق بشری غیرالزام‌آور محسوب می‌شود.

حقوق مندرج در اعلامیه:

در اصل اول اعلامیه به یکی از مهمترین اصول حقوق بشری یعنی اصل عدم تبعیض اشاره نموده و تصریح شده تمامی کودکان بدون هرگونه استثناء و تبعیض و بدون در نظر گرفتن نژاد، رنگ، زبان، دین، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، منشاء اجتماعی یا ملی، ثروت، تولد و یا ویژگی‌های فردی دیگر یا خانوادگی مشمول این حقوق می‌شوند.

در اصل دوم بر ضرورت برخورداری کودکان از حمایت ویژه و ایجاد امکانات لازم جهت رشد جسمی، ذهنی، اخلاقی و اجتماعی آنان در محیطی آزاد توسط مراجع ذیربط تاکید شده است. در این راستا تامین منافع کودکان باید بالاترین اولویت را داشته باشد. این اصل امروز به اصل عالی‌ترین منافع کودک موسوم است.

در اصل سوم آمده که کودک باید از بدو تولد صاحب نام و ملیت گردد.

اصل چهارم اعلامیه بر بهره‌مندی کودکان از امنیت اجتماعی، تغذیه، بهداشت، مسکن، خدمات پزشکی و مراقبت‌های خاص مناسب، قبل و بعد از تولد تاکید گردیده است.

اصل پنجم به کودکان معلول جسمانی، فکری یا اجتماعی توجه نموده و بر توجه خاص، آموزش و مراقبت لازم متناسب با وضعیت آنها تصریح کرده است.

اصل ششم نیز ضرورت سرپرستی و حمایت والدین از کودکان به منظور پرورش آنان در محیطی مملو از محبت و امنیت کافی را مطرح نموده.

در اصل هفتم نیز حق کودکان به بهره‌مندی از آموزش رایگان و اجباری در مدارج ابتدایی و فراگیری آموزشی جهت ارتقای توانایی‌ها و مسئولیت آنها تصریح شده است.

در اصل هشتم اولویت کودکان در بهره‌مندی از حمایت و تسهیلات در تمامی شرایط.

در اصل نهم لزوم حمایت از کودکان در برابر بی‌توجهی، ستم، استثمار و کارهایی که می‌تواند موجب اختلال در امر آموزش، سلامت و رشد آنها شود مورد تاکید قرار گرفته.

در اصل دهم نیز ضرورت حمایت از کودکان در مقابل هرگونه اعمال و رفتاری که ترویج تبعیضات نژادی، مذهبی و غیره را ممکن سازد مطرح کرده است.

نقاط ضعف اعلامیه

برای آنکه مشخص گردد چه حقوق و آزادی‌های مهمی در اعلامیه بیان نشده کفایت نگاهی اجمالی به متن کنوانسیون حقوق کودک بنماییم.

حقوق و آزادی‌هایی چون حق آزادی بیان و ابراز عقیده، دریافت و رساندن اطلاعات، آزادی فکر، عقیده و مذهب، حق آزادی تشکیل و شرکت در مجامع مسالمت‌آمیز و ممنوعیت مداخله در امور خصوصی، خانوادگی و مکاتبات کودکان و ممنوعیت بکارگیری افراد زیر ۱۵ سال در درگیری‌های مسلحانه و ممنوعیت اعدام و حبس ابد افراد زیر ۱۸ سال و... در اعلامیه منعکس نشده‌اند. به این ترتیب مشاهده می‌شود که اعلامیه حقوق کودک طیف گسترده‌ای از حقوق و آزادی‌های کودکان را مطرح نکرده است.

پیمان نامه حقوق کودک

این کنوانسیون در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ (۲۹ آبان ۱۳۶۸) مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و از ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ (سی روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق) لازم‌الاجرا شده است. تاکنون ۱۹۳ کشور (تمام اعضای ملل متحد به جز ایالات متحده آمریکا) این سند را تصویب کرده‌اند یا به آن ملحق شده‌اند. ایالات متحده آمریکا تنها عضو سازمان ملل متحد است که آن را تصویب نکرده است.

با اذعان به اینکه در تمام کشورهای جهان کودکانی هستند که در شرایط فوق العاده دشوار زندگی می‌کنند و این گونه کودکان نیازمند توجه ویژه می‌باشند و با توجه به اهمیت سنت‌ها و ارزشهای فرهنگی هر یک از ملل در مورد حمایت و رشد هماهنگ کودک، همچنین با اذعان به اهمیت همکاریهای بین‌المللی برای بهبود شرایط زندگی کودکان در همه کشورها، به ویژه در کشورهای در حال توسعه به شرح زیر توافق نموده اند:

بخش اول

ماده ۱

از نظر پیمان‌نامه حاضر منظور از کودک هر انسان دارای کمتر از ۱۸ سال سن است، مگر این که طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک، سن قانونی کمتر تعیین شده باشد.

ماده ۲

۱- کشورهای عضو، حقوق مندرج در پیمان‌نامه حاضر را برای هر یک از کودکانی که در حوزه قضایی آنها می‌باشند بدون هر گونه تبعیض و بدون توجه به نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و سایر عقاید، منشأ ملی، قومی، یا اجتماعی، دارایی، معلولیت، تولد یا سایر خصوصیات کودک یا والدین یا سرپرستان قانونی او محترم شمرده و تضمین خواهند کرد.

۲- کشورهای عضو همه اقدامات مقتضی را جهت تضمین حمایت از کودک در مقابل کلیه اشکال تبعیض یا مجازات براساس وضعیت، فعالیتها، عقاید ابراز شده، یا اعتقادات والدین، سرپرستان قانونی یا اعضای خانواده کودک به عمل خواهند آورد.

ماده ۳

۱- در کلیه اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی دولتی یا خصوصی، دادگاهها، مقامات اجرایی یا نهادهای قانونگذاری به عمل می‌آید، منافع عالی‌ه کودک از اهم ملاحظات می‌باشد.

۲- کشورهای عضو متعهد می‌شوند حمایت و مراقبتی را که برای رفاه کودک ضروری است با توجه به حقوق و تکالیف والدین، سرپرستان قانونی، یا دیگر اشخاصی که قانوناً مسئول کودک هستند، تضمین نمایند و در این راستا کلیه اقدامات قانونی و اجرایی لازم را به عمل خواهند آورد.

۳- کشورهای عضو اطمینان حاصل خواهند نمود که مؤسسات، خدمات و دستگاههای مسئول مراقبت و حمایت از کودکان، به ویژه در زمینه‌های ایمنی، بهداشت، از حیث تعداد و مناسب بودن کارکنان و نیز نظارت شایسته، با معیارهایی که توسط مقامات واجد صلاحیت مقرر گردیده‌است منطبق باشند.

ماده ۴

کشورهای عضو کلیه اقدامات قانونی، اجرایی و سایر اقدامات مقتضی را برای تحقق حقوقی که در پیمان‌نامه حاضر به رسمیت شناخته شده‌است معمول خواهند نمود. در مورد حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کشورهای عضو اقدامات مذکور را با بکارگیری حداکثر منابع موجود خود، و در صورت لزوم، در چارچوب همکاریهای بین‌المللی به عمل خواهند آورد.

ماده ۵

کشورهای عضو مسئولیتها، حقوق و تکالیف والدین، یا برحسب مورد، اعضای خانواده گسترده مطابق عرف مرسوم هر منطقه، سرپرستان قانونی یا سایر اشخاصی که قانوناً مسئول کودک هستند را در هدایت و ارائه راهنمایی‌های مقتضی به روشی هماهنگ با توانایی‌های بالنده کودک در راستای اعمال حقوق مندرج در پیمان‌نامه حاضر توسط کودک، محترم خواهند شمرد.

ماده ۶

۱- کشورهای عضو، حق ذاتی تمام کودکان را برای زندگی به رسمیت می‌شناسند.

۲- کشورهای عضو، بقاء و رشد کودک را تا حد امکان تضمین خواهند کرد.

ماده ۷

۱- تولد کودک باید بلافاصله پس از به دنیا آمدن او ثبت شود و کودک از بدو تولد از حق داشتن نام، حق کسب تابعیت و تا حد امکان از حق شناختن والدین و قرار گرفتن تحت مراقبت آنان برخوردار خواهد بود.

۲- کشورهای عضو اعمال حقوق مذکور را مطابق با قوانین داخلی خود و تعهدات ناشی از اسناد بین‌المللی مربوطه در این زمینه، به ویژه در مواردی که عدم اعمال این حقوق موجب بی‌تابعیتی کودک شود، تضمین خواهند نمود.

ماده ۸

۱- دولت‌های عضو متعهد می‌شوند حق کودک برای حفظ هویت خود، از جمله تابعیت، نام و روابط خانوادگی را مطابق قانون و بدون مداخله غیرقانونی محترم بشمارند.

۲- در مواردی که کودک به صورت غیرقانونی از تمام یا برخی از حقوق مربوط به هویت خود محروم شود، کشورهای عضو حمایت و مساعدت مقتضی را برای استیفای سریع هویت او فراهم خواهند آورد.

ماده ۹

۱- دولت‌های عضو تضمین خواهند کرد که کودک از والدین خود بر خلاف میل آنان جدا نشود، مگر در مواردی که مقامات واجد صلاحیت مطابق قوانین و مقررات قابل اعمال و پس از بررسی‌های قضایی حکم دهند که این جدایی برای تأمین منافع عالی‌تر کودک ضروری می‌باشد. چنین حکمی ممکن است در مواردی خاص، از قبیل سوءاستفاده از کودک یا بی‌توجهی به او توسط والدین، یا زمانی که والدین جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند و باید در مورد محل اقامت کودک تصمیمگیری شود، ضروری باشد.

۲- در هر یک از دادرسی‌های مرتبط با بند ۱ این ماده، باید به همه طرف‌های ذینفع فرصت داده شود در دادرسی‌ها شرکت کنند و نظرات خود را ابراز نمایند.

۳- دولتهای عضو حق کودک جدا شده از یک یا هر دو والد خود را برای حفظ روابط شخصی و تماس مستقیم و منظم با هر دو والد محترم خواهند شمرد مگر آن که این امر مغایر با منافع عالیله کودک باشد.

۴- هر گاه این جدایی ناشی از اقدامات یک کشور عضو از قبیل بازداشت، حبس، تبعید، اخراج یا مرگ یک یا هر دو والد یا کودک (از جمله مرگی که به هر دلیل در حین توقیف شخص توسط دولت روی می‌دهد) باشد، کشور عضو، بنا به درخواست، اطلاعات ضروری مربوط به محل اقامت عضو (یا اعضای) غایب خانواده را در اختیار والدین، کودک یا، در موارد مقتضی، یکی دیگر از اعضای خانواده قرار خواهد داد، مگر آن که ارائه این اطلاعات مخل رفاه کودک باشد. علاوه بر این، کشورهای عضو تضمین خواهند نمود که تسلیم این درخواست فی‌نفسه تبعات نامطلوبی برای فرد (یا افراد) ذینفع در پی نداشته باشد.

ماده ۱۰

۱- به موجب تعهدات ناشی از بند ۱ ماده ۹، کشورهای عضو درخواست کودک یا والدین او را برای ورود به یک کشور عضو یا خروج از آن به منظور پیوند مجدد خانواده، با نظر مثبت و به روشی انسانی و سریع بررسی خواهند کرد. کشورهای عضو علاوه بر این تضمین خواهند کرد که تسلیم چنین درخواستی تبعات نامطلوبی برای درخواست‌کنندگان و اعضای خانواده آنان در پی نداشته باشد.

۲- کودکی که والدینش مقیم کشورهای مختلفی هستند حق دارد که، جز در شرایط استثنایی، به صورت منظم روابط شخصی و تماس مستقیم خود را با هر دو والد حفظ نماید. به این منظور و مطابق با تعهدات کشورهای عضو به موجب بند ۱ ماده ۹، کشورهای عضو حق کودک و والدین او را برای ترک هر کشوری، از جمله کشور خود، و ورود به کشور خود محترم خواهند شمرد. حق ترک هر کشوری تنها مشمول محدودیتهایی است که در قانون تصریح شده و برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، بهداشت عمومی، اخلاق عمومی یا حقوق و آزادیهای دیگران ضروری است و با سایر حقوق مندرج در پیمان‌نامه حاضر منطبق می‌باشد.

ماده ۱۱

۱- به منظور مبارزه با انتقال غیرقانونی کودکان به خارج از کشور و عدم بازگشت کودکان مقیم خارج، کشورهای عضو اقداماتی معمول خواهند داشت.

۲- کشورهای عضو به همین منظور انعقاد توافقنامه‌های دوجانبه یا چندجانبه و یا الحاق به توافقنامه‌های موجود را تشویق خواهند کرد.

ماده ۱۲

۱- کشورهای عضو تضمین خواهند کرد که کودکی که قادر به شکل دادن به عقاید خود می‌باشد حق ابراز آزادانه این عقاید را در کلیه امور که به وی مربوط می‌شود داشته باشد و متناسب با سن و میزان رشد فکری کودک به نظرات وی اهمیت لازم داده شود.

۲- بدین منظور باید به ویژه برای کودک این فرصت فراهم شود تا بتواند در کلیه مراحل رسیدگی قضایی و اجرایی مربوط به خود مستقیماً یا از طریق یک نماینده یا مرجع مناسب، به روش منطبق با مقررات آئین دادرسی در قوانین داخلی، اظهارنظر نماید.

ماده ۱۳

۱- کودک باید حق آزادی بیان داشته باشد. حق مذکور شامل آزادی جستجو، دریافت و ارائه اطلاعات و عقاید از هر گونه‌است، بدون توجه به مرزها، به طور شفاهی، کتبی، چاپ شده، یا به شکل آثار هنری، و یا از طریق هر رسانه‌ای که کودک انتخاب کند.

۲- اعمال حق مذکور ممکن است منوط به برخی محدودیتها باشد، لیکن این محدودیتها باید تنها منحصر به مواردی باشد که در قانون تصریح شده و به یکی از دلایل زیر ضروری است:

الف) برای رعایت حقوق و آبروی دیگران.

ب) برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، بهداشت عمومی یا اخلاق عمومی.

ماده ۱۴

۱- کشورهای عضو حق آزادی اندیشه، عقیده و مذهب را برای کودک محترم خواهند شمرد.

۲- کشورهای عضو حقوق و تکالیف والدین، و برحسب مورد سرپرستان قانونی، را در هدایت کودک برای اعمال حقوق خود به روشی هماهنگ با تواناییهای بالنده وی محترم خواهند شمرد.

۳- آزادی آشکار ساختن مذهب یا اعتقادات تنها می‌تواند مشمول محدودیت‌هایی باشد که در قانون تصریح شده و برای حفظ امنیت، نظم، بهداشت و اخلاق عمومی یا حقوق اساسی و آزادی‌های دیگران ضروری است.

ماده ۱۵

۱- کشورهای عضو حقوق کودک را در مورد آزادی اجتماعات و شرکت در مجامع مسالمت‌آمیز به رسمیت می‌شناسند.

۲- به غیر از محدودیت‌هایی که در قانون تصریح شده و در یک جامعه دمکراتیک برای حفظ امنیت ملی یا عمومی، نظم عمومی، بهداشت عمومی، اخلاق عمومی و یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری است، نباید هیچگونه محدودیتی در اعمال حقوق مذکور ایجاد گردد.

ماده ۱۶

۱- در امور خصوصی، خانوادگی یا مکاتبات هیچ کودکی نباید مداخله خودسرانه یا غیرقانونی کرد یا به صورت غیرقانونی عزت و آبروی او را مورد تعرض قرار داد.

۲- کودک حق برخورداری از حمایت قانون را در برابر اینگونه مداخلات و تعرضات دارد.

ماده ۱۷

کشورهای عضو به عملکرد مهم رسانه‌های گروهی واقف بوده و تضمین خواهند کرد که کودک به اطلاعات و مطالب از منابع گوناگون ملی و بین‌المللی دسترسی داشته باشد، به ویژه اطلاعات و مطالبی که هدف آنها ترویج رفاه اجتماعی، معنوی و اخلاقی و بهداشت جسمی و روانی کودک است. بدین منظور، کشورهای عضو اقدامات زیر را به عمل خواهند آورد:

الف) تشویق رسانه‌های گروهی به انتشار و پخش اطلاعات و مطالبی که برای کودک از نظر اجتماعی و فرهنگی سودمند و

مطابق با روح ماده ۲۹ باشد؛

ب) تشویق همکاریهای بین‌المللی در زمینه تولید، مبادله و انتشار این گونه اطلاعات و مطالب از منابع گوناگون فرهنگی، ملی و بین‌المللی؛

ج) تشویق تولید و انتشار کتابهای کودکان؛

د) تشویق رسانه‌های گروهی به بذل توجه خاص به نیازهای کودکان گروههای اقلیت یا بومی از نظر زبان؛

ه) تشویق تهیه رهنمودهای مناسب برای حمایت از کودک در برابر اطلاعات و مطالبی که به رفاه وی آسیب می‌رساند با در نظر داشتن مفاد مندرج در مواد ۱۳ و ۱۸.

ماده ۱۸

۱- کشورهای عضو حداکثر تلاش خود را به کار خواهند بست تا این اصل که هر دو والد در مورد پرورش و رشد کودک مسئولیت مشترک دارند به رسمیت شناخته شود. والدین، یا برحسب مورد سرپرستان قانونی، مسئولیت عمده را در پرورش و رشد کودک بر عهده دارند. منافع عالی‌ه کودک عمده‌ترین موضوع مورد توجه آنان خواهد بود.

۲- به منظور تضمین و ترویج حقوق مندرج در پیمان‌نامه حاضر، کشورهای عضو مساعدت لازم را به والدین و سرپرستان قانونی در جهت ایفای مسئولیتهای آنها برای پرورش کودک عرضه خواهند کرد و توسعه مؤسسات، تسهیلات و خدمات برای مراقبت از کودکان را تضمین خواهند نمود.

۳- کشورهای عضو کلیه اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد تا اطمینان حاصل نمایند حق کودکان دارای والدین شاغل برای برخورداری از خدمات و تسهیلات مربوط به نگهداری کودکان که استحقاق آن را دارند، تضمین گردد.

ماده ۱۹

۱- کشورهای عضو کلیه اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی لازم را به عمل خواهند آورد تا از کودک در برابر کلیه اشکال خشونت جسمی یا روانی، صدمه یا آزار، بی‌توجهی یا رفتار توأم با سهل‌انگاری، سوءرفتار یا بهره‌کشی، از جمله سوءاستفاده جنسی، در حین مراقبت توسط والد (یا والدین)، سرپرست (یا سرپرستان) قانونی یا هر شخص دیگری که عهده‌دار مراقبت از کودک است، حمایت کنند.

۲ - اینگونه اقدامات حمایتی باید بر حسب مورد شامل روشهای مؤثر برای ایجاد برنامه‌های اجتماعی جهت فراهم نمودن پشتیبانی لازم از کودک و کسانی که عهده‌دار مراقبت از کودک هستند و نیز پشتیبانی از دیگر شکل‌های پیشگیری و شناسایی، گزارش‌دهی، ارجاع، تحقیق، درمان و پی‌گیری موارد سوءرفتار با کودک که قبلاً ذکر گردید، و برحسب مورد پشتیبانی از پیگرد قضایی، باشد.

ماده ۲۰

۱ - کودکی که به طور موقت یا دائم از محیط خانوادگی خود محروم شده است، یا کودکی که به خاطر منافع عالی‌اش نتوان به او اجازه داد که در آن محیط باقی بماند، سزاوار حمایت و مساعدت ویژه از سوی دولت خواهد بود.

۲ - کشورهای عضو طبق قوانین داخلی خود برای اینگونه کودکان مراقبت جایگزین تضمین خواهند نمود.

۳ - چنین مراقبتی ممکن است از جمله شامل نگهداری توسط خانواده جایگزین، کفالت در قوانین اسلامی، فرزندخواندگی یا در صورت لزوم اسکان در مؤسسات مناسب برای مراقبت از کودکان باشد. هنگام بررسی راه‌حل‌ها، باید به مطلوبیت تداوم در پرورش کودک و نیز به پیشینه قومی، مذهبی، فرهنگی و زبانی کودک توجه شایسته‌ای نمود.

ماده ۲۱

آن دسته از کشورهای عضو که نظام فرزندخواندگی را به رسمیت می‌شناسند یا آن را مجاز می‌دانند تضمین خواهند کرد که منافع عالی‌ه کودک مهمترین نکته مورد توجه باشد و اقدامات زیر را به عمل خواهند آورد:

الف) تضمین این که فرزندخواندگی تنها با مجوز مقامات واجد صلاحیتی صورت پذیرد که مطابق با قوانین و مقررات قابل اعمال و براساس اطلاعات مؤثق و قابل اطمینان تعیین می‌کنند که با توجه به وضعیت کودک در ارتباط با والدین، خویشاوندان و سرپرستان قانونی، فرزند خواندگی جایز است و در صورت لزوم اشخاص ذیربط، رضایت آگاهانه خود را در مورد فرزندخواندگی براساس مشاوره‌های مقتضی اعلام نموده‌اند؛

ب) فرزندخواندگی در کشورهای دیگر را به عنوان روش دیگری برای مراقبت از کودک در مواردی که امکان سپردن کودک به عنوان فرزندخوانده به یک خانواده یا یافتن هیچگونه روش مناسبی برای مراقبت از کودک در کشور متبوع وی وجود ندارد، به رسمیت خواهند شناخت؛

ج) تضمین برخورداری کودکی که در کشوری دیگر به فرزندخواندگی پذیرفته می‌شود از حمایتها و معیارهایی که در صورت فرزندخواندگی در کشور خود از آنها برخوردار می‌شود؛

د) اتخاذ کلیه تدابیر مناسب به منظور حصول اطمینان از اینکه فرزندخواندگی در کشور دیگر برای اشخاص ذیربط دربردارنده درآمدهای مالی نادرست نباشد؛

ه) ترویج اهداف ماده حاضر در موارد مقتضی از طریق انعقاد قراردادها یا اتخاذ تدابیر دو یا چندجانبه و در این چارچوب، تلاش برای حصول اطمینان از اینکه فرزندخواندگی کودک در یک کشور دیگر تنها توسط مقامات یا نهادهای واجد صلاحیت صورت می‌پذیرد.

ماده ۲۲

۱- کشورهای عضو اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد تا تضمین شود کودکی که متقاضی پناهندگی است یا طبق قوانین و مقررات بین‌المللی یا داخلی پناهنده محسوب می‌شود، اعم از اینکه همراه والدین خود یا شخص دیگری باشد و یا همراه نداشته باشد، از حمایت مناسب و مساعدت بشردوستانه در برخورداری از حقوق مندرج قابل اعمال در این پیمان‌نامه و در سایر اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر یا بشردوستانه که کشورهای عضو به آنها ملحق شده‌اند، بهره‌مند خواهد شد.

۲- به این منظور کشورهای عضو، در مواردی که مقتضی بدانند، در همه تلاشهای سازمان ملل متحد و نیز سایر سازمانهای بین‌المللی یا غیردولتی ذیربط که با سازمان ملل همکاری می‌کنند جهت مساعدت و حمایت از اینگونه کودکان و ردیابی والدین یا سایر اعضای خانواده کودک پناهنده به منظور کسب اطلاعات لازم برای پیوستن مجدد وی به خانواده‌اش همکاری خواهند کرد. در مواردی که نتوان والدین یا دیگر اعضای خانواده را یافت باید برای چنین کودکی همان حمایتی را فراهم نمود که مطابق مفاد پیمان‌نامه حاضر برای کودکانی در نظرگرفته می‌شود که موقتاً یا به طور دائم از محیط خانوادگی محروم شده‌اند.

ماده ۲۳

۱- کشورهای عضو اذعان دارند کودکی که از لحاظ جسمی یا ذهنی معلول است باید از یک زندگی کامل و محترمانه در شرایطی که متضمن منزلت و افزایش اتکا به نفس او باشد و مشارکت مؤثر او را در جامعه تسهیل نماید، برخوردار باشد.

۲- کشورهای عضو، حق کودکان معلول را برای برخورداری از مراقبت ویژه به رسمیت می‌شناسند و بسته به منابع موجود، مساعدت مورد تقاضا و متناسب با شرایط کودک، والدین یا سایر مراقبان کودک را برای کودک مستحق و کسانی که مسئول مراقبت از او هستند تشویق و تضمین خواهند کرد.

۳- با تشخیص نیازهای ویژه کودک معلول، مساعدت مقرر در بند ۲ ماده حاضر باید در صورت امکان و با در نظر گرفتن امکانات مالی والدین یا دیگر مراقبان کودک، به طور رایگان ارائه شود و باید به گونه‌ای طراحی شود که متضمن دسترسی مؤثر کودک معلول به تحصیل، دوره‌های آموزشی، خدمات بهداشتی، خدمات توانبخشی، آماده سازی برای اشتغال و امکانات تفریحی باشد و به روشی که موجب دستیابی کودک به بالاترین حد ادغام در جامعه و رشد فردی، از جمله رشد فرهنگی و معنوی، گردد.

۴- کشورهای عضو، در سایه همکاریهای بین‌المللی، مبادله اطلاعات مقتضی را در زمینه مراقبتهای بهداشتی جهت پیشگیری و معالجات پزشکی، روانشناسی و توانبخشی کودکان معلول ترویج خواهند کرد. مبادله اطلاعات مذکور از جمله شامل انتشار و دسترسی به اطلاعات مربوط به روشهای توانبخشی، آموزش و خدمات حرفه‌ای است و هدف آن قادر ساختن کشورهای عضو به بهبود تواناییها و مهارتها و گسترش تجربیات آنها در این زمینه‌هاست. در این مورد توجه خاصی به نیازهای کشورهای در حال رشد مبذول خواهد شد.

ماده ۲۴

۱- کشورهای عضو حق کودک را برای برخورداری از بالاترین معیارهای بهداشتی و تسهیلات قابل حصول جهت درمان بیماری و بازیابی سلامت به رسمیت می‌شناسند. کشورهای عضو برای تضمین اینکه هیچ کودکی از حق دسترسی به چنین خدمات بهداشتی محروم نماند تلاش خواهند کرد.

۲- کشورهای عضو اعمال کامل حق مذکور را پیگیری خواهند نمود و به ویژه در موارد زیر اقدامات مقتضی به عمل خواهند آورد:

الف) کاهش مرگ و میر نوزادان و کودکان؛

ب) تضمین ارائه کمکهای پزشکی و مراقبتهای بهداشتی لازم برای همه کودکان با تأکید بر گسترش مراقبتهای بهداشتی اولیه؛

ج) مبارزه علیه بیماریها و سوء تغذیه در چارچوب مراقبتهای بهداشتی اولیه از جمله از طریق به کار بستن فناوری موجود و فراهم ساختن مواد غذایی مقوی و کافی و آب آشامیدنی سالم با توجه به خطرات آلودگی محیط زیست؛

د) تضمین مراقبتهای بهداشتی پیش و پس از زایمان برای مادران؛

ه) تضمین اینکه همه اقشار جامعه به ویژه والدین و کودکان، از آموزشهای مربوطه آگاهی و به آنها دسترسی داشته باشند و در استفاده از دانش پایه در مورد بهداشت و تغذیه کودک، مزایای تغذیه با شیر مادر، بهداشت محیط و پیشگیری از سوانح مورد حمایت قرار گیرند؛

و) توسعه مراقبتهای بهداشتی جهت پیشگیری، راهنمایی والدین و آموزش تنظیم خانواده و خدمات مربوطه.

۳- کشورهای عضو به منظور برچیدن روشهای سنتی که به سلامت کودک آسیب میرسانند کلیه اقدامات مناسب و مؤثر را به عمل خواهند آورد.

۴- کشورهای عضو برای دستیابی تدریجی به تحقق کامل حق مندرج در ماده حاضر متعهد می شوند همکاریهای بین المللی را ترویج و تشویق نمایند. در این مورد به نیازهای کشورهای در حال رشد توجه خاصی مبذول خواهد شد.

ماده ۲۵

کشورهای عضو حق کودکی که توسط مقامات واجد صلاحیت جهت نگهداری، حمایت یا بازیابی سلامت جسمی یا روانی به خانواده یا مؤسسه‌ای سپرده شده است را برای انجام بررسی دوره‌ای درمان ارائه شده برای کودک و کلیه شرایط دیگر مربوط به نگهداری از او به رسمیت می شناسند.

ماده ۲۶

۱- کشورهای عضو حق هر کودک را برای برخورداری از تأمین اجتماعی، از جمله بیمه اجتماعی، به رسمیت می شناسند و اقدامات لازم را برای دستیابی به تحقق کامل این حق مطابق با قوانین داخلی خود به عمل خواهند آورد.

۲- مزایای مذکور در موارد مقتضی باید با توجه به امکانات و شرایط کودک و اشخاص مسئول نگهداری از او و نیز سایر ملاحظات مربوط به درخواست مزایا از سوی کودک یا از طرف او اعطاء شوند.

۱- کشورهای عضو حق همه کودکان را برای برخورداری از سطح زندگی مناسب برای رشد جسمی، ذهنی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی به رسمیت می‌شناسند.

۲- والد (یا والدین) یا دیگر اشخاص مسئول کودک در حد توان و امکانات مالی خود مسئولیت عمده را در تأمین شرایط زندگی لازم برای رشد کودک برعهده دارند.

۳- کشورهای عضو، برحسب شرایط داخلی و در حد امکانات خود اقدامات مقتضی جهت کمک به والدین و دیگر اشخاص مسئول کودک برای اعمال حق مذکور به عمل خواهند آورد و در صورت نیاز، به ویژه در ارتباط با تغذیه و پوشاک و مسکن، کمکهای مادی و برنامه‌های پشتیبانی فراهم خواهند کرد.

۴- کشورهای عضو کلیه اقدامات لازم را جهت تضمین پرداخت نفقه کودک توسط والدین یا دیگر اشخاص که از نظر مالی مسئولیت کودک را به عهده دارند، چه در داخل کشور عضو و چه در خارج، به عمل خواهند آورد. به ویژه هرگاه شخصی که مسئولیت تأمین مالی کودک را به عهده دارد در کشور دیگری غیر از کشور کودک زندگی می‌کند، کشورهای عضو باید الحاق به توافقنامه‌های بین‌المللی یا انعقاد چنین توافقنامه‌هایی و نیز اتخاذ تدابیر مناسب دیگر را ترویج نمایند.

۱- کشورهای عضو حق کودک را برای برخورداری از آموزش به رسمیت می‌شناسند و برای دستیابی به این حق، به صورت تدریجی و بر پایه ایجاد فرصتهای برابر به ویژه اقدامات زیر را معمول خواهند داشت:

الف) اجباری کردن و در دسترس قراردادن آموزش ابتدایی رایگان برای همه؛

ب) تشویق ایجاد و گسترش انواع مختلف آموزش متوسط، از جمله آموزش عمومی و حرفه‌ای، فراهم کردن و قرار دادن آنها در دسترس همه کودکان، و به عمل آوردن اقدامات مقتضی از قبیل ارائه آموزش رایگان و اعطای کمکهای مالی در صورت نیاز؛

ج) در دسترس قرار دادن آموزش عالی برای همگان براساس قابلیت و از هر طریق مناسب؛

د) فراهم نمودن اطلاعات و راهنماییهای آموزشی و حرفه‌ای و قرار دادن آنها در دسترس همه کودکان؛

ه) به عمل آوردن اقداماتی جهت تشویق به حضور منظم در مدارس و کاهش موارد ترک تحصیل.

۲- کشورهای عضو کلیه اقدامات مقتضی را جهت تضمین آنکه انضباط در مدارس مطابق با شأن انسانی کودک و مفاد پیمان‌نامه حاضر اعمال می‌شود معمول خواهند داشت.

۳- کشورهای عضو همکاری‌های بین‌المللی را در موارد مربوط به آموزش، به ویژه در جهت مشارکت در ریشه کن ساختن جهل و بی‌سوادی در سراسر جهان و تسهیل دسترسی به دانش علمی و فنی و روشهای نوین تدریس، تشویق و ترویج خواهند کرد. در این خصوص توجهی ویژه به نیازهای کشورهای در حال رشد مبذول خواهد شد.

ماده ۲۹

۱- کشورهای عضو اتفاق نظر دارند که آموزش کودک باید در راستای اهداف زیر باشد:

الف) رشد شخصیت، استعدادها و تواناییهای جسمی و ذهنی کودک تا حد امکان؛

ب) افزایش احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد؛

ج) افزایش احترام به والدین کودک، هویت فرهنگی، زبان و ارزشهای کودک، به ارزشهای ملی کشوری که کودک در آن زندگی می‌کند و موطن اصلی او و به تمدنهای متفاوت با تمدنی که او بدان تعلق دارد؛

د) آماده‌سازی کودک برای یک زندگی مسئولانه در جامعه‌ای آزاد و با روحیه تفاهم، صلح، مدارا، مساوات بین زن و مرد، و دوستی میان همه مردمان، گروههای قومی، ملی و مذهبی و افرادی که منشأ بومی دارند؛

ه) افزایش احترام به محیط زیست طبیعی.

۲- هیچ بخشی از ماده حاضر یا ماده ۲۸ نباید به گونه‌ای تفسیر شود که مخل آزادی افراد و نهادها برای تأسیس و اداره مؤسسات آموزشی گردد، منوط به اینکه اصول مقرر در بند ۱ ماده حاضر و شرایط مربوط به منطبق بودن آموزش در این گونه مؤسسات با معیارهای حداقلی که ممکن است توسط دولت تعیین شده باشد، همواره رعایت شوند.

ماده ۳۰

در کشورهایی که اقلیتهای قومی، مذهبی یا زبانی وجود دارند یا افرادی با منشأ بومی، کودک متعلق به اینگونه اقلیتها یا کودکی که بومی است نباید از حق برخورداری از فرهنگ خود، برخورداری از مذهب خود و اعمال آن یا استفاده از زبان خود به همراه سایر اعضای گروه خود محروم شود.

ماده ۳۱

۱- کشورهای عضو حق کودک را برای استراحت، داشتن اوقات فراغت، پرداختن به بازی و فعالیتهای تفریحی متناسب با سن کودک و مشارکت آزادانه در زندگی فرهنگی و هنری به رسمیت می‌شناسند.

۲- کشورهای عضو حق کودک برای مشارکت کامل در زندگی فرهنگی و هنری را محترم شمرده و ترویج خواهند کرد و مشوق فراهم ساختن فرصت‌های برابر و مناسب برای فعالیتهای فرهنگی، هنری و تفریحی خواهند بود.

ماده ۳۲

۱- کشورهای عضو حق کودک را برای برخورداری از حمایت در برابر بهره‌کشی اقتصادی و انجام هرگونه کاری که ممکن است زیانبار باشد یا خللی در تحصیل کودک وارد آورد، و یا به سلامتی کودک یا رشد جسمانی، ذهنی، اخلاقی یا اجتماعی او آسیب رساند، به رسمیت می‌شناسند.

۲- کشورهای عضو جهت تضمین اجرای ماده حاضر اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی به عمل خواهند آورد. بدین منظور و با عنایت به مفاد سایر اسناد بین‌المللی مربوطه، کشورهای عضو به ویژه اقدامات ذیل را به عمل خواهند آورد:

الف) تعیین حداقل سن یا حداقل سنین برای اشتغال به کار؛

ب) تدوین مقررات مناسب در ارتباط با ساعات کار و شرایط اشتغال؛

ج) تعیین مجازاتهای مناسب یا ضمانتهای اجرایی دیگر به منظور تضمین اجرای مؤثر ماده حاضر.

ماده ۳۳

کشورهای عضو کلیه اقدامات مقتضی، از جمله اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی، را به عمل خواهند آورد تا کودکان را در برابر استفاده غیرمجاز از داروهای مخدر و روانگردان که در اسناد بین‌المللی مربوطه توصیف شده‌اند، حمایت نمایند و از استفاده از کودکان در تولید غیرمجاز و قاچاق چنین موادی جلوگیری کنند.

ماده ۳۴

کشورهای عضو متعهد می‌شوند از کودک در برابر کلیه اشکال بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی حمایت کنند. بدین منظور، کشورهای عضو به ویژه کلیه اقدامات مقتضی ملی، دو جانبه و چند جانبه را به عمل خواهند آورد تا از موارد زیر جلوگیری شود:

الف) اغوا یا وادار کردن کودک به پرداختن به هر گونه فعالیت جنسی غیرقانونی؛

ب) استفاده استثمارگرانه از کودکان در فحشا یا دیگر اعمال جنسی غیرقانونی؛

ج) استفاده استثمارگرانه از کودکان در هرزه نگاری.

ماده ۳۵

به منظور جلوگیری از ربوده شدن، فروش یا قاچاق کودکان به هر منظور و به هر شکل، کشورهای عضو کلیه اقدامات مقتضی ملی، دوجانبه و چندجانبه را به عمل خواهند آورد.

ماده ۳۶

کشورهای عضو از کودک در برابر کلیه اشکال دیگر بهره‌کشی که مغایر با هر یک از جنبه‌های رفاه کودک باشد حمایت خواهند کرد.

ماده ۳۷

کشورهای عضو تضمین خواهند کرد که:

الف) هیچ کودکی مورد شکنجه یا سایر رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار نگیرد. مجازات اعدام، یا حبس ابد بدون امکان آزادی، نباید در مورد جرمهایی که اشخاص زیر ۱۸ سال مرتکب می‌شوند اعمال گردد؛

ب) هیچ کودکی به طور غیرقانونی یا خودسرانه از آزادی محروم نشود. دستگیری، بازداشت یا زندانی کردن کودک باید مطابق قانون و تنها به عنوان آخرین راه چاره و در کوتاهترین زمان ممکن صورت پذیرد؛

ج) با هر کودکی که از آزادی محروم شده‌است رفتاری انسانی و همراه با احترام به مقام ذاتی انسان، و با توجه به نیازهای افراد هم سن او اعمال شود. به ویژه کودک محروم از آزادی باید از بزرگسالان جدا شود، مگر آن که این امر مغایر با منافع عالیه کودک تشخیص داده شود، و او حق دارد جز در موارد استثنایی، تماس خود را با خانواده‌اش از طریق مکاتبه و ملاقات حفظ کند.

د) هر کودک محروم از آزادی حق دسترسی فوری به کمکهای حقوقی و سایر مساعدتهای مقتضی داشته باشد و همچنین حق داشته باشد که محرومیت خود از آزادی را از حیث تطابق با قانون در برابر دادگاه یا هر مقام واجد صلاحیت مستقل و بی طرف دیگر مورد اعتراض قرار دهد و در یک چنین مواردی از تصمیم فوری برخوردار شود.

ماده ۳۸

۱- کشورهای عضو متعهد می‌شوند که هنگام مخاصمات مسلحانه‌ای که با کودکان ارتباط پیدا می‌کند مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اعمال را محترم بشمارند و احترام به مقررات مذکور را تضمین کنند.

۲- کشورهای عضو کلیه اقدامات امکانپذیر را به عمل خواهند آورد تا تضمین کنند که اشخاصی که به سن ۱۵ سالگی نرسیده‌اند در مخاصمات شرکت مستقیم نداشته باشند.

۳- کشورهای عضو از پذیرش اشخاصی که به ۱۵ سالگی نرسیده‌اند در نیروهای مسلح خود اجتناب خواهند کرد. در پذیرش اشخاص بین ۱۵ سال و ۱۸ سال، کشورهای عضو تلاش خواهند نمود اولویت را به آنهایی دهند که سن بیشتری دارند.

۴- کشورهای عضو، طبق تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه، کلیه اقدامات امکانپذیر را برای تضمین حمایت و مراقبت از کودکانی که به علت مخاصمات مسلحانه در معرض آسیب قرار می‌گیرند، به عمل خواهند آورد.

کشورهای عضو کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد تا بهبود جسمانی و روانی و ادغام مجدد اجتماعی کودک که قربانی هرگونه بی‌توجهی، بهره‌کشی، آزار، شکنجه یا سایر اشکال رفتار یا تنبیه بیرحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، و یا مخاصمات مسلحانه واقع شده‌است، تسریع گردد. بهبود و ادغام مجدد مذکور باید در محیطی صورت پذیرد که تندرستی، عزت نفس و منزلت کودک را تقویت می‌کند.

۱- کشورهای عضو این حق را برای هر کودک مجرم، متهم یا مظنون به نقض قوانین کیفری به رسمیت می‌شناسند که با او به روشی که موجب اعتلای مفهوم شرف و ارزش در ذهن کودک می‌گردد رفتار شود، روشی که احترام کودک به حقوق بشر و آزادیهای اساسی دیگران را تقویت کند و به سن کودک و مطلوبیت ترویج ادغام مجدد کودک در جامعه و ایفای نقشی سازنده توسط کودک در جامعه توجه داشته باشد.

۲- به این منظور و با عنایت به مفاد مربوطه در اسناد بین‌المللی، کشورهای عضو به ویژه تضمین خواهند کرد که:

الف) هیچ کودکی نباید به سبب فعل یا ترک فعلی که در زمان ارتکاب به موجب قوانین ملی یا بین‌المللی ممنوع نبوده‌است، مجرم، متهم یا مظنون به نقض قوانین کیفری شناخته شود؛

ب) هر کودک مظنون یا متهم به نقض قوانین کیفری حداقل از تضمینهای زیر برخوردار باشد:

(۱) تا زمانی که گناهکار بودن او بر طبق قانون ثابت نشده‌است بیگناه فرض شود؛

(۲) به سرعت و مستقیماً، و در موارد مقتضی از طریق والدین یا سرپرستان قانونی خود، از اتهامات وارده علیه خود اطلاع یابد و برای تهیه و ارائه دفاعیه خود از کمک حقوقی یا دیگر کمکهای مقتضی برخوردار شود؛

(۳) رسیدگی به اتهام بدون تأخیر و توسط یک مقام یا مرجع قضایی واجد صلاحیت، مستقل و بیطرف، در یک دادرسی عادلانه مطابق با قانون و با موجود بودن کمک حقوقی یا دیگر کمکهای مقتضی، و منوط به مغایر نبودن با منافع عالیه کودک و به ویژه با توجه به سن یا وضعیت کودک، با حضور والدین یا سرپرستان قانونی او صورت پذیرد؛

(۴) ملزم نگردد شهادت دهد یا اعتراف به گناه نماید، و امکان بررسی اظهارات شهود مخالف و کسب اجازه برای شرکت شهود خود و بررسی اظهارات آنان را در شرایط مساوی داشته باشد؛

(۵) در صورتی که مجرم شناخته شود، بتواند از مقام یا مرجع قضایی واجد صلاحیت، مستقل و بیطرف بالاتری بخواهد مطابق با قانون، حکم صادره و هر گونه اقدام ناشی از آن را مورد تجدیدنظر قرار دهد؛

(۶) در صورتی که کودک قادر به فهمیدن زبان مورد استفاده یا تکلم به آن زبان نباشد، بتواند از یاری یک مترجم به طور رایگان برخوردار شود؛

(۷) در کلیه مراحل دادرسی، حریم شخصی او کاملاً محفوظ بماند.

۳- کشورهای عضو تلاش خواهند نمود وضع قوانین و مقررات و تأسیس مراجع و نهادهایی که به کودکان مجرم، متهم یا مظنون به نقض قوانین کیفری اختصاص دارند را ترویج نمایند و خصوصاً اقدامات ذیل را معمول خواهند داشت:

الف) تعیین حداقل سنی که پایین تر از آن نتوان کودکان را دارای قابلیت نقض قوانین کیفری محسوب کرد؛

ب) در صورت مقتضی و مطلوب بودن، اعمال تدابیری برای برخورد با این گونه کودکان بدون توسل به دادرسیهای قضایی، منوط به این که حقوق بشر و ضمانتهای حقوقی کاملاً رعایت شوند.

۴- به منظور تضمین این که با کودکان به روشی متناسب با رفاه و شرایط و جرم آنها رفتار شود، باید تمهیدات گوناگونی از قبیل مقررات مراقبت، راهنمایی و نظارت و نیز مشاوره، تعلیق مجازات، نگهداری توسط خانواده جایگزین، آموزش و برنامه‌های آموزش حرفه‌ای و سایر اقدامات جایگزین مراقبت در مؤسسات فراهم باشد.

ماده ۴۱

مفاد پیمان نامه حاضر تأثیری بر قوانینی که در جهت تحقق حقوق کودک مؤثرتر می‌باشند، و ممکن است جزء موارد زیر باشند، نخواهد داشت:

الف) قوانین کشور عضو؛ یا

ب) قوانین بین‌المللی لازم‌الاجرا در آن کشور.

بخش دوم

ماده ۴۲

کشورهای عضو متعهد می‌شوند به طور گسترده و به طریقی مناسب و فعال اصول و مفاد پیمان‌نامه را به نحوی یکسان به اطلاع بزرگسالان و کودکان برسانند.

ماده ۴۳

۱- به منظور بررسی پیشرفت کشورهای عضو در دستیابی به تحقق تعهدات ناشی از پیمان‌نامه حاضر، یک کمیته حقوق کودک تشکیل خواهد شد که وظایف آن در بندها و مواد بعدی تصریح شده‌است.

۲- کمیته از ده کارشناس تشکیل خواهد شد که از نظر اخلاقی حسن شهرت داشته باشند و صلاحیت آنان در زمینه‌هایی که در پیمان‌نامه حاضر تصریح گردیده مورد تأیید باشد. اعضای کمیته را کشورهای عضو، با توجه به پراکندگی جغرافیایی متناسب و نیز نظامهای حقوقی اصلی، از میان اتباع خود انتخاب می‌کنند و این افراد به صورت شخصی به انجام وظیفه در کمیته خواهند پرداخت.

۳- اعضای کمیته با رأی مخفی از میان فهرست افرادی که توسط کشورهای عضو نامزد شده‌اند، انتخاب خواهند شد. هر کشور عضو می‌تواند یکی از اتباع خود را نامزد نماید.

۴- اولین انتخابات کمیته حداکثر ظرف شش ماه پس از قابل اجرا شدن پیمان‌نامه حاضر و سپس هر دو سال یک بار برگزار خواهد شد. حداقل چهار ماه پیش از برگزاری هر یک از انتخابات، دبیر کل سازمان ملل متحد طی نامه‌ای از کشورهای عضو دعوت خواهد کرد ظرف دو ماه نامزدهای خود را معرفی نمایند. دبیر کل متعاقباً فهرستی از اسامی همه نامزدها، به ترتیب حروف الفبا، و با ذکر نام کشوری که هر یک را نامزد نموده‌است تهیه و به کشورهای عضو پیمان‌نامه حاضر تسلیم خواهد کرد.

۵- انتخابات در اجلاس کشورهای عضو که به دعوت دبیر کل و در مقر سازمان ملل متحد تشکیل می‌شود، برگزار خواهد شد. در اجلاسهای مذکور که با حضور دو سوم کشورهای عضو رسمیت خواهند یافت، افرادی که بیشترین تعداد آرا و اکثریت مطلق آرای نمایندگان حاضر و رأی دهنده کشورهای عضو را به دست آورند به عضویت کمیته انتخاب خواهند شد.

۶ - اعضای کمیته برای یک دوره چهار ساله انتخاب خواهند شد و در صورتی که باز هم نامزد شوند واجد شرایط برای انتخاب مجدد خواهند بود. دوره عضویت پنج تن از اعضای منتخب در اولین انتخابات، در پایان دو سال خاتمه خواهد یافت. بلافاصله پس از اولین انتخابات، اسامی این پنج نفر از طریق قرعه کشی توسط رئیس جلسه تعیین خواهد شد.

۷ - در صورتی که یکی از اعضای کمیته فوت کند یا استعفا دهد، یا به هر دلیلی اعلام نماید که دیگر قادر به انجام وظیفه در کمیته نمی‌باشد، کشور عضوی که این عضو را نامزد کرده‌است کارشناس دیگری را از میان اتباع خود معرفی خواهد کرد تا در صورت تصویب کمیته تا پایان دوره در کمیته به انجام وظیفه بپردازد.

۸ - کمیته آیین‌نامه داخلی خود را تنظیم خواهد کرد.

۹ - کمیته مأموران خود را برای یک دوره دو ساله انتخاب خواهد کرد.

۱۰ - جلسات کمیته معمولاً در مقر سازمان ملل متحد یا هر مکان مناسب دیگری که کمیته تعیین کند برگزار خواهد شد. کمیته به طور معمول سالانه تشکیل جلسه خواهد داد. مدت جلسات کمیته در جلسه‌ای با شرکت کشورهای عضو پیمان‌نامه حاضر و منوط به تصویب مجمع عمومی تعیین خواهد شد و در صورت لزوم مورد تجدید نظر قرار خواهد گرفت.

۱۱ - دبیرکل سازمان ملل متحد کارمندان و تجهیزات لازم را برای عملکرد ثمربخش کمیته طبق پیمان‌نامه حاضر فراهم خواهد نمود.

۱۲ - با تأیید مجمع عمومی، اعضای کمیته‌ای که به موجب پیمان‌نامه حاضر تشکیل می‌شود از محل منابع سازمان ملل متحد و طبق شرایطی که مجمع عمومی تعیین می‌نماید حقوق دریافت خواهند کرد.

ماده ۴۴

۱ - کشورهای عضو متعهد می‌شوند از طریق دبیرکل سازمان ملل متحد گزارش‌هایی در مورد اقداماتی که به منظور تحقق حقوق به رسمیت شناخته شده در پیمان‌نامه حاضر به عمل آمده‌اند و پیشرفتهایی که در برخورداری از این حقوق صورت گرفته است را به ترتیب زیر به کمیته تسلیم نمایند:

الف) ظرف دو سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن پیمان‌نامه برای کشور عضو مربوطه؛

ب) سپس هر پنج سال یک بار.

۲- گزارش‌هایی که طبق ماده حاضر تهیه می‌شوند باید عوامل و مشکلاتی که ممکن است موجود باشند و بر میزان انجام تعهدات ناشی از پیمان‌نامه حاضر تأثیر می‌گذارند را مشخص سازند. گزارشات، برای آن که درکی جامع از اجرای پیمان‌نامه در کشور مربوطه به دست دهند، باید حاوی اطلاعات کافی نیز باشند.

۳- برای آن کشور عضوی که گزارش اولیه جامعی به کمیته تسلیم کرده‌است ضرورتی ندارد در گزارشات بعدی خود، موضوع بند ۱ (ب) این ماده، اطلاعات پایه‌ای که قبلاً ارائه نموده‌است را تکرار کند.

۴- کمیته می‌تواند از کشورهای عضو بخواهد اطلاعات بیشتری در مورد اجرای پیمان‌نامه ارائه دهند.

۵- کمیته گزارش فعالیت‌های خود را هر دو سال یک بار از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی به مجمع عمومی تسلیم خواهد کرد.

۶- کشورهای عضو گزارشات خود را به طور گسترده در کشور خود در اختیار عموم قرار خواهند داد.

ماده ۴۵

به منظور ترویج اجرای هر چه مؤثرتر پیمان‌نامه و تشویق همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌های تحت پوشش پیمان‌نامه:

الف) سازمان‌های تخصصی، صندوق کودکان سازمان ملل متحد و سایر ارگان‌های سازمان ملل متحد می‌توانند در بررسی اجرای مفادی از این پیمان‌نامه که در حوزه وظایف آنها واقع می‌شود شرکت داشته باشند. کمیته می‌تواند از سازمان‌های تخصصی، صندوق کودکان سازمان ملل متحد و سایر نهادهای واجد صلاحیت که مناسب تشخیص دهد دعوت نماید تا در مورد اجرای پیمان‌نامه در زمینه‌های مرتبط با حوزه وظایف خود نظرات تخصصی ارائه نمایند. کمیته می‌تواند از سازمان‌های تخصصی، صندوق کودکان سازمان ملل متحد و سایر ارگان‌های سازمان ملل متحد دعوت نماید تا در مورد اجرای پیمان‌نامه در زمینه‌هایی که در حوزه فعالیت‌های آنها واقع می‌شود گزارش‌هایی تسلیم نمایند؛

ب) کمیته می‌تواند، در صورتی که مناسب بداند، هر گزارش دریافتی از کشورهای عضو را که حاوی درخواست برای مشاوره یا مساعدت فنی یا نمایانگر نیاز به آن باشد، همراه با ملاحظات و پیشنهاداتی که ممکن است کمیته در این زمینه داشته باشد برای سازمان‌های تخصصی، صندوق کودکان سازمان ملل متحد و سایر نهادهای واجد صلاحیت ارسال نماید؛

پ) کمیته می‌تواند به مجمع عمومی توصیه کند که از دبیر کل درخواست نماید از طرف کمیته در مورد موضوعات خاصی مربوط به حقوق کودک مطالعاتی انجام دهد؛

ت) کمیته می‌تواند بر پایه اطلاعاتی که از طریق اجرای مواد ۴۴ و ۴۵ پیمان‌نامه حاضر دریافت می‌کند پیشنهادات و توصیه‌های کلی ارائه دهد. این گونه پیشنهادات و توصیه‌های کلی باید برای کشورهای عضو مربوطه ارسال گردد و همراه با نظرات کشورهای عضو، چنانچه نظراتی موجود باشد، به مجمع عمومی گزارش شود.

بخش سوم

ماده ۴۶

پیمان‌نامه حاضر جهت امضای کلیه کشورها مفتوح خواهد بود.

ماده ۴۷

پیمان‌نامه حاضر منوط به تصویب است. اسناد تصویب به دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهند شد.

ماده ۴۸

پیمان‌نامه حاضر جهت الحاق کلیه کشورها مفتوح خواهد ماند. اسناد الحاق به دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهند شد.

ماده ۴۹

۱ - پیمان‌نامه حاضر سی روز پس از سپرده شدن بیستمین سند تصویب یا الحاق به دبیر کل سازمان ملل متحد قابل اجرا خواهد بود.

۲ - تاریخ لازم‌الاجرا شدن پیمان‌نامه حاضر در مورد هر کشوری که پس از سپرده شدن بیستمین سند تصویب یا الحاق، پیمان‌نامه را تصویب می‌کند یا به آن ملحق می‌شود، سی روز پس از تاریخ سپردن سند تصویب یا الحاق توسط آن کشور خواهد بود.

ماده ۵۰

۱ - هر یک از کشورهای عضو می‌تواند اصلاحیه‌ای پیشنهاد کرده و آن را به دبیرکل سازمان ملل متحد تحویل دهد. دبیرکل سپس اصلاحیه پیشنهادی را برای کشورهای عضو ارسال خواهد نمود و از آنها درخواست خواهد کرد نظر خود را درباره برپایی کنفرانس کشورهای عضو به منظور بررسی و رأی‌گیری در مورد پیشنهادات اعلام نمایند. چنانچه ظرف چهار ماه از تاریخ ارسال، حداقل یک سوم کشورهای عضو موافق برگزاری چنین کنفرانسی باشند، دبیرکل کنفرانس را با پشتیبانی سازمان ملل متحد برگزار خواهد کرد. هر اصلاحیه‌ای که مورد تصویب اکثریت کشورهای عضو حاضر و رأی دهنده در کنفرانس قرار گیرد، جهت تصویب به مجمع عمومی تسلیم خواهد شد.

۲ - اصلاحیه‌ای که مطابق با بند ۱ ماده حاضر به تصویب برسد، پس از تصویب مجمع عمومی و پذیرش دو سوم کشورهای عضو قابل اجرا خواهد بود.

۳ - زمانی که اصلاحیه‌ای قابل اجرا می‌شود، برای آن دسته از کشورهای عضو که آن را پذیرفته‌اند لازم‌الاجرا خواهد بود و دیگر کشورهای عضو همچنان ملزم به اجرای مفاد پیمان‌نامه حاضر و اصلاحیه‌هایی که قبلاً پذیرفته‌اند خواهند بود.

ماده ۵۱

۱ - دبیرکل سازمان ملل متحد متن تحفظ کشورها را که در زمان تصویب یا الحاق تسلیم می‌شوند دریافت و برای کلیه کشورها ارسال خواهد کرد.

۲ - تحفظی که با هدف و مقصود پیمان‌نامه حاضر مغایرت داشته باشد، مجاز نیست.

۳ - تحفظ را می‌توان در هر زمان با ارسال اعلامیه رسمی به دبیرکل سازمان ملل متحد باز پس گرفت و دبیرکل سپس این امر را به اطلاع کلیه کشورها خواهد رساند. چنین بیانیه‌ای از تاریخ وصول توسط دبیرکل نافذ خواهد بود.

ماده ۵۲

هر یک از کشورهای عضو می‌تواند با ارسال اعلامیه کتبی برای دبیرکل سازمان ملل متحد از عضویت پیمان‌نامه حاضر خارج شود. خروج از عضویت پیمان‌نامه یک سال پس از تاریخ دریافت بیانیه توسط دبیرکل صورت می‌پذیرد.

ماده ۵۳

دبیرکل سازمان ملل متحد به عنوان امانتدار پیمان نامه حاضر تعیین شده است.

ماده ۵۴

نسخه اصلی پیمان نامه حاضر، که متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی آن همگی از اعتبار یکسان برخوردارند، نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع خواهد شد.

عضویت ایران

دولت جمهوری اسلامی ایران در اسفند ۱۳۷۲ با «قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک» و با تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسماً این کنوانسیون را پذیرفت؛ مشروط بر آن که مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الاجرا نباشد.

از سال ۷۲ تا ۸۸ وزارت امور خارجه به نمایندگی از دولت امور مربوط به اجرای مفاد کنوانسیون و وظیفه نظارت و تنظیم و ارسال گزارش ادواری آن را برعهده داشت و از دی‌ماه ۱۳۸۸ با مصوبه دولت، مسئولیت این کنوانسیون به وزارت دادگستری واگذار شد.

نقش سازمانهای غیردولتی و مجامع عمومی در حمایت از کودکان قربانی جنگ:

تجربه جنگ های متعدد در اقصی نقاط دنیا نشان داده که دولتها به تنهایی نمی توانند حمایت از کودکان قربانی جنگ و تأمین نیازهای مادی و معنوی آنان را به عهده گیرند. لذا سازمانهای غیردولتی (NGO) و سایر مجامع مردمی می توانند در این مورد نقش تعیین کننده ای را ایفاء کنند. هم دولت و هم این سازمانها و مجامع باید بدان توجه داشته باشند که تعلیم و تربیت کودکان قربانی جنگ اعم از آواره [۱۸] یا بی سرپرست برای صلح باید بعنوان یکی از ارکان برنامه های آموزشی در نظر گرفته شود. وجود این سازمانها هم در طول جنگ و هم پس از پایان جنگ ضروری است زیرا اثرات جسمی و روحی ناشی از جنگ تا سالها در کودکان آواره و بی سرپرست باقی می ماند. بطور کلی مساعدت سازمانهای غیردولتی در سه مورد اهمیت زیادی دارد:

۱- ایجاد هسته های روشنگری و ایجاد حساسیت در سطح داخلی و بین المللی

۲- ایجاد برنامه های اجرایی میدانی که سریعاً بتواند پاسخگوی نیازهای کودکان باشد.

۳- ارائه پیشنهادها و راه حل های مناسب در مورد وضعیت های ویژه

سازمان ملل متحد در زمینه حمایت از حقوق کودکان آسیب دیده از جنگ همکاری خوبی را با سازمانهای غیردولتی شروع کرده است. در گزارش کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل در مورد وضعیت کودکان در مخاصمات مسلحانه و در مورد ترویج و حمایت از حقوق کودکان به نتایج غیرقابل انکار این همکاری اشاره شده است. سازمانهایی مانند «اتحاد برای توقف استفاده از کودکان سرباز»، «کمیته سازمانهای غیردولتی وابسته به یونیسف»، «نجات کودکان» و غیره اقدامات مؤثری را تاکنون در مورد کودکان آواره انجام داده اند.

در مورد کودکان آواره، پس از جنگ مهمترین عامل حمایتی، یافتن خانواده، تحکیم خانواده و کمکهای روحی و عاطفی به آنان است. در مورد کودکان بی سرپرست ناشی از جنگ، باید راههای خروج از مشکلات روانی را به آنان نشان داد. در ایران وظیفه مدیریت و حمایت از کودکان بی سرپرست ناشی از جنگ به بنیاد شهید سپرده شده که بعنوان یک نهاد دولتی وظیفه خود را بخوبی انجام داده است. البته در بین کودکان بی سرپرست، آنانی که مسؤولیت بیشتری پس از فقدان پدر یا مادر در خانواده به عهده گرفته اند و رئیس خانواده محسوب می شوند، کمک و حمایت بیشتری را می طلبند.

به طور کلی در مورد کودکان آواره و بی سرپرست، اعم از اینکه در اردوگاهها یا مراکز نگهداری و سایر مراکز پذیرش حضور داشته باشند، تضمین حق تعلیم و تربیت و باز نمودن راه ادامه تحصیل لازم و ضروری است. در اعلامیه جهانی راجع به تعلیم و تربیت برای همه، مورخ ۱۹۹۰ (تایلند) در بند ۴۵ (ف) بر کمکهای جامعه بین المللی اعم از مالی یا تکنیکی در مورد آموزش کودکان آواره، بویژه برنامه های آموزشی بنیادی آنان تأکید شده است. نهایتاً دولت و سازمانهای دولتی پس از پایان جنگ باید زمینه های بازگشت داوطلبانه کودکان آواره را به کشور متبوعشان فراهم آورند

فصل پنجم: نگاهی اجمالی بر حقوق کودک

مقدمه:

کنوانسیون حقوق کودک شامل ۵۴ ماده بوده و همچنین پس از حدود ۱۱ سال دو پروتکل اختیاری به آن الحاق شده است که چهار اصول پایه‌ای آن را جهت می‌دهد:

● هیچ کودکی نباید از تبعیض رنج ببرد.

● زمانی که در رابطه با کودکان تصمیم‌گیری می‌شود، باید مصالح عالی‌ه آنان در راس قرار گیرد.

● کودکان حق حیات داشته و باید رشد کنند.

● کودکان حق دارند آزادانه عقاید و نظرات خود را ابراز کنند و این نظرات در تمامی اموری که به آن‌ها مربوط می‌شود، باید مورد توجه قرار گیرد.

کمیته حقوق کودک ملل متحد

کمیته حقوق کودک ملل متحد نهادی برای بررسی پیشرفت کشورهای عضو در دستیابی به تحقق تعهدات ناشی از پیمان است که به موجب ماده ۴۳ کنوانسیون تأسیس شده و از ده کارشناس تشکیل می‌شود که از اتباع کشورهای عضو با توجه به پراکندگی جغرافیایی و نظام‌های حقوقی اصلی انتخاب می‌شوند. وظیفه اصلی این کمیته بررسی گزارش‌های رسیده از کشورهای عضو کنوانسیون، ارائه پیشنهادهای یا توصیه‌های کلی براساس بررسی گزارش‌ها درخواست مشاوره و مساعدت فنی از صندوق کودکان ملل متحد، سازمان‌های تخصصی ملل متحد و دیگر نهادهای دارای صلاحیت است.

گزارش کشورهای عضو به کمیته باید تا دو سال پس از تصویب یا الحاق و پس از آن هر پنج سال یکبار صورت پذیرد. کمیته نیز بایستی گزارش فعالیت‌های خود را هر دو سال یکبار به مجمع عمومی تسلیم کند.

حقوق کودکان، مندرج در کنوانسیون

در کنوانسیون حقوق کودک و دو پروتکل آن بسیاری از حقوق کودک مشخص گردیده است و مهم‌ترین حقوق کودکان در آن درج شده‌است، همچنین در این سند کمیته‌ای برای بررسی وضعیت کشورها در زمینه حقوق کودک ایجاد شده‌است. مهم‌ترین مواد این کنوانسیون که با عنوان اصول عمومی حقوق کودک شناخته می‌شوند عبارتند از:

حق بر ثبت ولادت، ثبت نام و تابعیت، حق بیان آزادانه عقاید، حق آزادی فکر و عقیده، شرکت در انجمن‌ها، حق بر آموزش کودک، حق بر سلامت، حق برخورداری از بهداشت، حق بر همبستگی خانوادگی، رفاه، تأمین اجتماعی و مصونیت از سوءاستفاده و استثمار جنسی و کاری از دیگر حقوق کودکان در این کنوانسیون است

با اینحال باید در نظر داشت که تمام این حقوق در حول اصول کلی کنوانسیون حقوق کودک در گردشند و باید به وسیله این اصول شناخته شوند: این چهار اصل عمومی عبارتند از منع تبعیض (ماده ۲)، مصالح عالی (ماده ۳)، حق بر حیات، بقا و رشد (ماده ۶) (که به دنبال حق بر حیات کودک می‌آید و یکی از بنیادین‌ترین حقوق کودکان است و باقی حقوق موقوف بر آن است). و حق بر شنیده شدن (ماده ۱۲).

پروتکل‌های اختیاری

در ۲۵ مه ۲۰۰۰ الحاق دو پروتکل اختیاری به کنوانسیون مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت. یکی «پروتکل الحاقی درباره خرید و فروش کودکان، روسپی‌گری کودکان و هرزه‌نگاری کودکان» که این اقدامات را در کشورهای عضو ممنوع می‌سازد. اهمیت این پروتکل در آن است که برای اولین بار در حقوق بین‌الملل به تعریف مفاهیم فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودک، دست زده است.

و دیگری «پروتکل الحاقی درباره بکارگیری کودکان در مناقشات مسلحانه» که خدمت سربازی اجباری افراد زیر ۱۸ سال را ممنوع می‌کند و اعضا تعهد می‌کنند از هر اقدام ممکن برای جلوگیری از ورود کودکان به گروه‌های مسلح استفاده کنند.



حق ثبت

به موجب ماده ۱ قانون ثبت احوال، با وقوع تولد هر شخص، باید برای او شناسنامه صادر شود. هر کسی که مسئول و سرپرست نوزاد هست، مسئول اعلام واقعه تولد و ثبت این واقعه است.

بر طبق ماده ۱۲ قانون ثبت احوال، ولادت هر طفل در ایران اعم از اینکه پدر و مادر طفل ایرانی یا خارجی باشند باید به نماینده یا مامور ثبت احوال اعلام شود.

ولادت اطفال ایرانیان مقیم خارج از کشور به مامور کنسولی ایران در محل اقامت و اگر نباشد به نزدیکترین مامور کنسولی و یا به سازمان ثبت احوال کشور اعلام می شود.

هم چنین بر طبق ماده ۱۳ این قانون، ولادت واقع در ایران به وسیله نماینده یا مامور ثبت احوال و ولادت واقع در خارج از کشور به وسیله ماموران کنسولی ایران در دفتر ثبت کل وقایع به ثبت می رسد.

پس از ثبت ولادت اگر طفل ایرانی باشد شناسنامه صادر و تسلیم می گردد و اعلامیه برای ثبت واقعه در دفتر ثبت کل وقایع صفحه مخصوص پدر و مادر به اداره ثبت احوال محل صدور شناسنامه آنان فرستاده می شود و در صورتی که طفل خارجی باشد گواهی صادر و تسلیم می گردد.

چه کسی می تواند درخواست ثبت ولادت بدهد؟

اعلام ولادت و درخواست ثبت آن و هم چنین امضا دفتر ثبت کل وقایع به ترتیب به عهده اشخاص زیر است:

پدر یا جد پدری، مادر در صورت غیبت پدر و در اولین موقعی که قادر به انجام این وظیفه باشد، وصی یا قیم یا امین، اشخاصی که قانوناً عهده دار نگهداری طفل باشد، متصدی یا نماینده موسسه ای که طفل به آنجا سپرده شده است.

در صورتی که هیچ یک از افراد فوق به تکلیف قانونی خود در خصوص ثبت ولادت طفل عمل نکرده باشند، وقتی طفل به سن رشد برسد (سن ۱۸ سالگی) می بایستی شخصا مراتب را به اداره ثبت احوال اعلام و شناسنامه دریافت نماید. اگر طفل در مکانی متولد شود که خروج از آن ممنوع یا محتاج به اجازه مخصوص باشد نظیر ندامتگاه، کانون اصلاح و تربیت و غیره،

متصدیان این سازمان ها طبق تبصره ماده ۱۸ قانون ثبت احوال مکلف به اطلاع واقعه تولد طفل و ایجاد تسهیلات لازم برای انجام وظایف صاحب واقعه می باشند.

در صورتی که ازدواج پدر و مادر طفل به ثبت نرسیده باشد...

اعلام ولادت و امضاء اسناد متفقاً به عهده پدر و مادر خواهد بود و هر دو باید در هنگام ثبت ولادت حضور داشته باشند.

هرگاه جمع پدر و مادر در اعلام ولادت ممکن نباشد، سند طفل با اعلام یکی از ابویین (پدر یا مادر) که مراجعه می کند با قید نام کوچک طرف غائب تنظیم خواهد شد. اگر مادر اعلام کننده باشد نام خانوادگی مادر به طفل داده می شود.

ثبت نکردن واقعه ولادت در قانون مجازات اسلامی

عدم اعلام و ثبت واقعه ولادت و یا بیان اظهارات خلاف واقع در مورد این موضوع در قانون مجازات اسلامی جرم انگاری شده و برای مرتکبان، مجازات در نظر گرفته شده است.

بر این اساس:

- اشخاصی که در اعلام ولادت خلاف واقع اظهاری نمایند. به طور مثال هرگاه شخصی زمان ولادت را برخلاف واقع بگوید.

- پزشک و یا مامایی که در مورد ولادت گواهی خلاف واقع صادر کند. به طور مثال پزشک و یا ماما عالماً و عامداً ولادت شخصی را که بعد از تولد فوت کرده است را گواهی و تصدیق کند. همچنین در مورد شخصی که اصلاً وجود نداشته است، گواهی ولادت او را تصدیق نماید.

- کسانی که در مورد وقوع ولادت شخصی، شهادت دروغ بدهند.

اشخاص مرتکب جرایم بندهای مذکور، به حبس تعزیری درجه هفت محکوم می گردند.

حق بر آموزش:

حق اساسی هر کودک برای آموزش در قسمت نخست ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک مورد تاکید قرار گرفته است. بندهای الف تا ث این ماده شامل تعهدات کشورها در راستای دستیابی به این حق هستند. این ماده تاکید می کند که

کشورهای عضو کنوانسیون باید به صورت تدریجی و بر پایه فرصت های برابر، شرایط دستیابی حق آموزش را فراهم سازند. در سطح آموزش ابتدایی کشورهای عضو نه تنها موظف به فراهم آوردن آموزش ابتدایی رایگان هستند بلکه باید آن را اجباری سازند.

در کشور ما، بر اساس سند تحول بنیادین مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، یکی از ویژگی های عام تربیت رسمی و عمومی قانون مندی است. بر اساس این ویژگی، دولت ها به موجب قوانین اساسی کشورها و میثاق های جهانی، متعهدند که تربیت رسمی و عمومی را با کیفیت مطلوب و کامل برای آحاد جامعه محقق کنند. بنابراین، در جوامع امروزی، تربیت رسمی و عمومی با حمایت دولت ها و بر مبنای قوانین ویژه ای سازماندهی و هدایت می شود. سیاست گذاری، پشتیبانی و نظارت قانونی بر این بخش مهم از فرایند تربیت و الزام قانونی همگان (فرزندان آحاد افراد تابع کشور اسلامی ما) نسبت به حضور در این نوع از تربیت، ساز و کار مناسبی برای ایفای این رسالت است. ویژگی دیگر، حضور الزامی متریبان یا دانش آموزان است. حضور الزامی متریبان در موقعیت های مناسب به بهره مندی آنان از این زمینه ها در جهت تحقق مطلوب تعالی ایشان یاری می رساند.

اصل سی ام و بند سوم اصل سوم قانون اساسی و مواد اول و دوم قانون تامین وسایل و امکانات تحصیلی کودکان ایرانی بر اجباری بودن تربیت حکایت دارد. در چند سال اخیر وزارت آموزش و پرورش در زمینه آموزش های مقطع ابتدایی قدم های چشمگیری برداشته است. در آماري که به تازگی از سوی وزیر آموزش و پرورش به وسیله رسانه های جمعی عنوان شد، حدود ۹۶ درصد جمعیت واجب التعلیم توسط این وزارتخانه تحت پوشش قرار گرفته اند که شامل جمعیت روستایی بالاخص دختران واجب التعلیم این جوامع می شود.

به رغم این پیشرفت ها، هنوز تعداد زیادی از دختران در ایران از آموزش محروم هستند. متأسفانه فرهنگ حاکم بر جوامع روستایی نسبت به تحصیل دختران و بعضی عوامل دیگر مانع از ادامه تحصیل دختران روستایی در مقاطع بعد از دوره ابتدایی می شود. در استان های محروم مانند سیستان و بلوچستان تعداد کمتری از معلمان مایلند در نقاط روستایی و کوچ نشین با جمعیت پراکنده تدریس کنند. این بدین معناست که اکثر معلمان را مشمولان خدمت سربازی تشکیل می دهند و خانواده ها این افراد را مناسب برای تدریس دختران نمی دانند.

آرمان دست یابی به نظم نوین و مطلوب جهانی ایجاب می کند تا با در پیش گرفتن تدابیری سنجدیده قدم در راه تلاش برای وصول به تعهدات کنوانسیون حقوق کودک و توصیه های کمیته برداریم. براین بنیاد بایستی:

الف) تحصیلات اجباری و رایگان را پس از سال پنجم دوره ابتدایی گسترش داده و این طرح را بدون تاخیر به اجرا گذاریم.
ب) از این که کلیه کودکان منجمله کودکان پناهنده بدون تبعیض مبتنی بر جنسیت، مذهب، منشاء قومی، ملیت یا بی تابعیتی از فرصت‌های آموزشی برابر در کلیه مقاطع نظام آموزشی بر خوردار باشند اطمینان حاصل کنیم.

پ) نابرابری‌ها در زمینه منابع فراهم شده برای مدارس در مناطق شهری و روستایی را به منظور تضمین فرصت‌های برابر آموزشی در سراسر کشور بر طرف کنیم.

ت) مدارس را به گونه‌ای بهتر با کتب درسی، مواد آموزشی و کمک آموزشی، معلمان آموزش دیده بویژه معلمان زن تجهیز کرده و روش‌های یادگیری فعال، خلاق و مبتنی بر مشارکت در مدارس را برای ارتقای استعداد‌های کودکان در جامعه و اقتصادی مبتنی بر دانش مرسوم کنیم.

به نظر می‌رسد، برای تحقق هر چه بیشتر و بهتر حق آموزش در کشور نیازمند ضمانت اجرای قوی‌تر از جمله به رسمیت شناختن دادخواهی برای نقض حق بر آموزش هستیم که نتیجه آن، اجرای برابری در آموزش و رساندن سطح کیفی آموزش به استانداردهای جهانی است. قابلیت رسیدگی در مرجع قضایی «توانایی ادعای مطالبه خسارت در برابر مستقل و بی طرف در زمان ارتکاب نقض حق» است.

حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه

کودکان آواره و بی سرپرست از جمله کودکان قربانی جنگ و مخاصمات مسلحانه داخلی هستند. جابجایی کودکان برای پرهیز از مشکلات جنگ در داخل و خارج کشور و از دست دادن یکی از والدین یا هر دوی آنها بدلیل وضعیت جنگی، یکی از دستاوردهای منفی این پدیده است. در این میان وضعیت دو گروه، کودکان آواره و بی سرپرست بیشتر از سایر موارد قابل تامل و بررسی است.

الف) کودکان آواره:

یکی از عوامل جابجایی و آوارگی وسیع انسانها در طول تاریخ، جنگ و نزاع‌های مسلحانه بوده است. کودکان بدلیل آسیب پذیری خود بخش عمده‌ای از آوارگان جنگی را تشکیل می‌دهند. براساس آمار از بین سی میلیون آواره دنیا، ۸۰٪ آنان را کودکان تشکیل می‌دهند و هر روز حدود ۵۰۰۰ کودک آواره به جمع آوارگان اضافه می‌شود. این کودکان آواره در دو گروه

آوارگان داخلی و بین‌المللی تقسیم می‌شوند که گروه دوم تحت حمایت کمیساری عالی پناهندگان قرار دارند. کودکان آواره در تمام نقاط دنیا حضور دارند. نمونه بارز این کودکان را کودکان آواره آفریقایی، افغانی، عراقی و فلسطینی تشکیل می‌دهند.

کودکان آواره در مقایسه با بزرگسالان آواره به دلیل آسیب‌پذیری خود با خطرات جسمی و روحی بیشتری مواجه می‌شوند که حمایت ویژه‌ای را طلب می‌کند. مشکل کمبود مواد غذایی، مسکن، بیماری‌های مسری و غیرمسری، جدایی از خانواده، سربازی اجباری و حتی سوء استفاده‌های جنسی و قطع تحصیلات از جمله عواملی هستند که رشد جسمی و روحی آنان را با مشکلاتی روبرو می‌سازد. حتی در اردوگاهها نیز بدلیل شرایط نامناسب بهداشتی، تعارضات فرهنگی بین ساکنان اردوگاه، کمبود مواد غذایی و غیره شرایط آوارگان و بویژه کودکان با شرایط طبیعی بسیار فاصله دارد. بطور کلی جابجایی و آوارگی کودکان علاوه بر نتایج جسمی و روحی، عواقب آموزشی و تربیتی نیز بدنبال دارد که در این زمینه می‌توان به تأخیر تحصیلی و از دست دادن انگیزه تحصیلی کرد که حتی باز پروری آنان را در مدارس کشور محل اسکان بسیار دشوار و در بعضی موارد غیرممکن می‌سازد.

(ب) کودکان بی سرپرست

کودکان بی سرپرست گروه دیگری از کودکان قربانی جنگ هستند. براساس آمار یونیسف در سال ۲۰۰۱ فقط دو میلیون کودک زیر پانزده سال بدلیل جنگ و بیماری ایدز، یکی از والدین خود را از دست داده‌اند. باید توجه داشته باشیم که اگر در مورد بعضی کودکان بی سرپرست وجود اقوام نزدیک می‌تواند تا حدی خلأ عاطفی ناشی از فقدان والدین را پرکند، مشکل کودکانی که تمامی اعضای فامیل خود را از دست می‌دهند، بسیار حادث‌تر است و وضعیت آنان حمایت بیشتری را می‌طلبد.

بازپروری و حمایت عملی کودکان آواره و بی سرپرست

بازپروری و حمایت کودکان، هم در زمان جنگ و هم پس از خاتمه آن، یکی از وظایف دولتهاست. در مورد کودکان آواره اولین سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آیا این کودکان به همراه والدین خود هستند یا خیر؟ چرا که در مورد آنان اولین مسأله توجه به مسائل روحی است که با تحکیم خانواده صورت می‌گیرد. در این خصوص، می‌توان از تکنولوژی ارتباطات برای یافتن والدین و اعضای فامیل نزدیک کودک آواره استفاده کرد. اگر پدر و مادر کودک مفقود باشند باید به ترتیب به اقوام دور، دوستان خانوادگی یا خانواده‌های متقاضی واجد صلاحیت سپرده شود. در صورت فقدان این موارد،

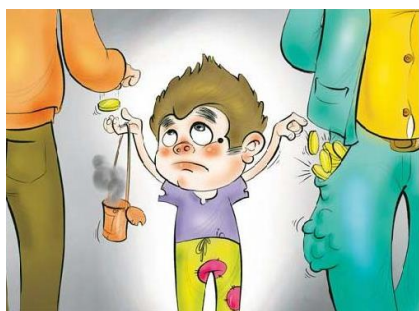
کودکان بی سرپرست باید به مراکز نگهداری تحت نظارت از جمله یتیم خانه یا هر مکان مطمئن دیگر سپرده شوند و دولت بر امور آنان نظارت داشته باشد.

باید توجه داشته باشیم که کودکان آواره ساکن در اردوگاههای کشورهای همسایه نسبت به کودکان آواره در کشور اولیه از حمایت بین المللی بیشتری در این مورد برخوردارند. زیرا نهادی بین المللی بنام کمیساریای عالی پناهندگان بر امور آنان نظارت دارد در حالیکه نهاد اخیر در امور داخلی کشورهای درگیر جنگ دخالت چندانی نمی تواند داشته باشد.

پس از حل مشکل خانواده، باید حق تغذیه و بهداشت کودکان آواره مورد توجه قرار گیرد و سپس مشکلات عاطفی و روانی آنان حل و فصل شود. در اینجا هم کودکان آواره بین المللی از وضعیت بهتری برخوردارند. زیرا ارسال کمکهای غذایی و بهداشتی، و بطور کلی کمکهای انسانی یکی از تعهدات بین المللی کشورها در قبال آوارگان است که براساس مقررات حقوق بین المللی انجام می پذیرد، ولی چنین کمکهایی در مورد آوارگان داخلی بدلیل حاکمیت سرزمینی کشورهای درگیر جنگ با کندی انجام خواهد شد. در هر حال توجه به این نکته ضروری است که کودکی که امروز غذا، بهداشت و آموزش کافی نداشته باشد، آینده اش جز معلولیتها و عقب ماندگیهای جسمی و ذهنی چیز دیگری نخواهد بود. او فقط یک بار فرصت رشد دارد و آن فرصت امروز است نه فردا. نمی توان با غذا و بهداشت بیشتر در آینده، سلامتی را که امروز کودک از دست می دهد، فردا به او باز پس داد.

اکثر کشورها بویژه کشورهای عضو کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو باید رفتار بدون تبعیض بین کودکان آواره و شهروندان خود داشته باشند و فرهنگ پذیرش آوارگان را در بین شهروندان خود تقویت کنند. بطور کلی، رعایت حقوق اولیه این کودکان که مهمترین آن، حق تعلیم و تربیت کودکان آواره است، امری الزامی است. لذا دولت پذیرنده، باید چه در اردوگاهها و چه در خارج از آنها، زمینه ادامه تحصیل کودکان آواره را فراهم آورد

حق کودکان کار



نگاه حق مدارانه و توجه به مصالح عالییه کودکان دو ویژگی برجسته ای است که از آموزه های دینی، اسناد بین المللی و قوانین و مقررات ما بر آن تأکید شده و ما باید با تغییر رویکرد خود از نگاه ترحم آمیز، حقوق کودکان را به رسمیت بشناسیم و برای تحقق آن گام برداریم.

وضع موجود کودکان الاخصوص کودکان کار و خیابانی رضایت بخش نیست و ما باید در چارچوب قوانین و مقررات گام های بلندی برای ارتقای حقوق کودکان برداریم. بنابر آمار منتشره، در حدود سی درصد از جمعیت کشورمان را افراد زیر ۱۸ سال تشکیل می دهند، رقمی بالغ بر ۲۳ میلیون نفر. ترویج و ارتقاء حقوق آنان، ایجاد ساز و کارهای حمایتی و تسهیل دسترسی آنان به حقوق ذاتی و انکار ناپذیرشان، از جمله وظایف دولت محسوب می گردد.

کودکان کار به کودکان کارگری گفته می شود که به صورت مداوم و پایدار به خدمت گرفته می شوند که این امر آن ها را در بیشتر اوقات از رفتن به مدرسه و تجربه دوران کودکی بی بهره می سازد و سلامت روحی و جسمی آن ها را تهدید می کند. کار کودک نزد بسیاری از کشورها و سازمان های بین المللی فعالیتی استثمارگری تلقی می شود.

کار کودکان بسیار معمول است و می تواند شامل کار در کارخانه، معدن، روسپی گری، کشاورزی، کمک در کسب و کار والدین، داشتن کسب و کار شخصی (مانند فروش غذا) یا کارهای نامتعارف باشد. ناپذیرفتنی ترین شکل های کار کودکان استفاده نظامی از کودکان و تن فروشی کودکان است. موارد کم تر جنجالی و معمولاً قانونی (با بعضی محدودیت ها) شامل کار کشاورزی در ایام تعطیلی مدرسه (کار فصلی)، کسب و کار خارج از ساعات مدرسه و همچنین بازیگری یا آواز خوانی کودکان می باشد.

کار کودک در درجات مختلف در طول تاریخ وجود داشت اما با آغاز سوادآموزی همگانی و تغییراتی که در شرایط کار طی صنعتی شدن به وجود آمد و ظهور مفاهیم حقوق کارگر و حقوق کودکان مورد نقد و بحث عمومی قرار گرفت. کار کودکان همچنان در جاهایی که سن ترک مدرسه پایین است شیوع دارد.

موضوع کودکان کار موضوع نسبتاً پیچیده ای است و عوامل گوناگونی در آن اثر گذار هستند. از جمله: ساختار خانواده، فقر، تغییرات اقتصادی ناگهانی ناشی از جنگ و ... (که منجر به مهاجرت به کشورهای همسایه برای کار با دستمزد بیشتر می شود) و هزینه تحصیل و نظام آموزشی نادرست.

کودکان کار در شرایط بسیار نامطلوب از نظر تغذیه، بهداشت و انجام کارهای خطرناک و حاد به سر می برند. این کودکان می توانند به راحتی بازیچه دست بزهکاران حرفه ای اعم از سارقین یا باند های توزیع مواد مخدر، عوامل ایجاد خانه های

فساد و... قرار گیرند. و همچنین عدم بهره گیری از آموزش و تحصیل علم و فن، قدرت رقابت با سایر کودکان در ایجاد یک زندگی سالم را هر چه بیشتر از این کودکان سلب می کند.

کودکان خیابانی

کودکان خیابانی که یکی از آسیب پذیرترین گروه می باشند، معمولاً به کودکانی اطلاق می شود که در خیابان ها و یا در مکان های عمومی مانند بازارها، پارک ها و غیره زندگی و کار می کنند.

بسیاری از این کودکان با ارزش، در نتیجه جنگ، مهاجرت، سوءاستفاده و سایر مسائل خانوادگی در این وضعیت قرار گرفته اند.

طبق گفته یونسف حدود ۱۰۰ میلیون کودک در خیابان های سراسر جهان زندگی می کنند، با این حال اعلام تعداد دقیق کودکان خیابانی تقریباً غیر ممکن است.

کودکانی که در خیابان ها زندگی می کنند با توجه به **حقوقی که همه کودکان جهان** دارند، قادر به دریافت آموزش و مراقبت بهداشتی و همچنین اوقات فراغت و رفع نیازهای اساسی نیستند. آنها فوق العاده آسیب پذیر هستند و تعدادی از افراد، آنان را برای اهداف خود مورد سوء استفاده قرار می دهند.

دسته بندی کودکان خیابانی

طبق اعلام سازمان جهانی بهداشت، سه نوع کودک خیابانی وجود دارد:

۱- **کودکان خیابانی (کودک در خیابان):** این کودکان دارای خانواده هستند که در خیابان ها برای کسب درآمد برای خانواده کار می کنند و شب ها به خانه بر می گردند. میزان ارتباط این کودکان با خانواده خود متفاوت است.

۲- **کودکان خیابان:** این کودکان توسط خانواده خود رها شده و یا یتیم شده اند و بدون هیچ اعضای خانواده زندگی خود را ادامه می دهند. آنها صرفاً مسئولیت بقای خود را برعهده دارند این گروه که از کودکان خیابانی کوچکتر هستند اما مشکلات متعددی دارند و در معرض انواع خطرات مختلف قرار دارند و در واقع این گروه آسیب پذیرترین افرادی هستند که در خیابان ها زندگی می کنند که با خیابان ها عجین شده اند.

۳- **فرزند یک خانواده خیابان:** این کودکان در خیابان ها با خانواده‌هایشان زندگی می کنند معمولا این خانواده‌ها در اثر یک فاجعه یا سختی مانند جنگ، بلایای طبیعی یا بیکاری در خیابان ها زندگی می کنند.

بنابراین می توان گفت میان دو دسته از کودکان باید تفاوت قائل شد این دو دسته عبارتند از: کودکان کار و کودکان خیابانی کودکان کار، کودکان زیر ۱۸ سالی هستند که برای تامین معاش خود یا خانواده در خیابان ها به کار مشغول هستند و خود در دو گروه قرار دارند:

کودکانی که کمتر از ۱۵ سال سن دارند که طبق قانون کار کردن برای این کودکان ممنوع است.

کودکان ۱۵ تا ۱۸ ساله که مطابق قانون کار، طبق شرایط خاصی می توانند کار کنند.

اما کودکان خیابانی کودکان زیر ۱۸ سالی هستند که به دلیل مشکلات و فشارهای اقتصادی و اجتماعی خانوادگی و... مجبورند در خیابانها کار و زندگی کند در حالی که با خانواده خود ارتباط ندارند این کودکان را میتوان کودکان خیابان یا کارتن خواب ها نامید و همچنین کودکان کار را میتوان نان آوران کوچک خواند.

کودکان خیابانی در معرض چه خطراتی قرار دارند؟

همه ی کودکان خیابانی به طرق مختلف آسیب دیده اند و این آسیب دیدگی ممکن است جدی تر و حادث تر شود. کودک خیابانی، کودکی خود را در خیابانها با کارکردن سپری می کند.

خیابان جای خوبی برای کودک نیست این کودکان در معرض تجاوز و سوء استفاده جنسی و همچنین استثمار جنسی قرار دارند که خطر ابتلا به بیماری ایدز که می تواند حاصل تجاوز و سوء استفاده جنسی یا مواد مخدر و بهداشت باشد، افزایش دهد. گرسنگی، خشونت و بیماری برای این کودکان همیشه وجود دارد.

همچنین مصرف مواد شایع است و به عنوان راهی برای فرار از ترس، گرسنگی، فراموش کردن مشکلات، نابودی، ناامیدی از زندگی استفاده می شود.

برخی از کودکان خیابانی زندگی خود را در خیابان ها از طریق بیماری، خشونت جسمی، تصادف و... از دست می دهند که این نوع زندگی و این حجم از مشقت و سختی حق یک کودک معصوم و بیگناه نیست. او نیز آرزوهای قشنگ و کودکانه ای دارد که می خواهد مانند کودکان بی دغدغه و شادی که با پدران و مادران خود میبینند زندگی کند.

وضعیت کودکان خیابانی در کشور ایران

آمار دقیقی از تعداد کودکانی که در خیابان های ایران زندگی می کنند، در دست نیست و آمارها گوناگون و متفاوت هستند به گونه ای که افراد مختلف و همچنین طبق یافته های بنده، بین ۲۰ هزار تا ۷ میلیون کودک خیابانی تخمین زده اند.

طبق گزارش سازمان یونسف در سال ۲۰۰۶ حدود ۶۰ هزار کودک خیابان در ایران وجود دارند که متأسفانه بیشتر شان به مدرسه نمی روند. همچنین این آمار تاکنون حدود ۵ الی ۶ برابر افزایش یافته است که این موضوع یک معضل اجتماعی به حساب می آید.

در ایران بیشترین تعداد کودکان خیابانی را در استان های به ترتیب تهران، شیراز، اصفهان، تبریز و مشهد می توان مشاهده کرد. در تهران چندین خانه امن برای این کودکان تاسیس شد که چندی بعد به دلایل مبهم و ناشناخته بسته شد. (خانه ریحانه، خانه شوش، خانه سبز)

در کشور ما کودکان خیابانی را میتوان بدین گونه دسته بندی کرد:

-
- کودکان بی سرپرست
- کودکان بد سرپرست
- کودکان دارای معلولیت، بیماری روان و بیماری صعب العلاج
- کودکان متواری (فراری)
- کودکان کار
- کودکان بزهکار
- کودکانی که فقط با مادر خود زندگی می کنند
- کودکانی که فقط با پدر خود زندگی می کنند
- کودکانی که با برادر و یا خواهر خود زندگی می کنند
- کودکان اتباع بیگانه که شامل دسته بندی زیر است:

۱- کودکانی که پدرانشان از اتباع کشورهای بیگانه و مادرشان ایرانی است اما به دلیل ثبت نشدن ازدواج آنان فاقد شناسنامه هستند.

۲- اتباع بیگانه دارای کارت اقامت از مراجع قانونی

۳- اتباع بیگانه فاقد کارت اقامت از مراجع قانونی.

حق تامین اجتماعی و مصونیت از سوءاستفاده و استثمار جنسی کودکان:

کودک آزاری:

کودک آزاری زمانی اتفاق می‌افتد که هر گونه فعل و یا ترک فعل قابل اجتناب، سلامت جسمی، روانی و عاطفی کودک را تحت تأثیر قرار دهد.

طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت، هر گونه بدرفتاری فیزیکی و یا عاطفی، سوءاستفاده جنسی، غفلت یا رفتار همراه با بی‌توجهی یا استثمار تجاری یا سایر انواع استثمار، که منجر به آسیب واقعی یا احتمالی به سلامت، بقاء، رشد یا کرامت کودک در زمینه‌ی روابط یا مسئولیت، اعتماد یا حکم. قدرت شود کودک آزاری محسوب می‌شود.

براساس تعریف سازمان بهداشت جهانی

- جسمی
- جنسی
- غفلت
- عاطفی

تعریف انواع کودک آزاری

جسمی: آزار فیزیکی رفتارهایی هستند که منجر به مصدومیت‌های فیزیکی غیرتصادفی می‌شوند. این موارد شامل صدمه غیرتصادفی، تنبیه فیزیکی شدید (که می‌تواند شامل صدمه فیزیکی بشود یا نشود)، تهدید به صدمه فیزیکی، رفتارهای خطرناک به سمت کودک یا در اطراف کودک (پرت کردن شی، استفاده از سلاح) می‌باشند.

جنسی: کودک آزاری جنسی شامل موارد استفاده از کودک برای تحریک جنسی بزرگسالان، اغوا یا اجبار کودک به انجام فعالیت جنسی، تهیه‌ی مطالب پورنوگرافی از کودکان، انجام فعالیت جنسی در حضور کودکان (مثال: پاتوق فحشا و...)، نشان دادن تصاویر پورن به کودکان، لذت‌جویی از کودکان همراه با دخول، لمس آلت تناسلی بدون دخول، تفخیز و رابطه جنسی دهانی می‌باشد.

عاطفی: مواردی چون تحقیر کردن شدید، طرد نمودن، حبس کردن، محرومیت عاطفی، برخورد خشونت آمیز، آزارهای کلامی شدید، کنترل شدید و نامعقول، ترساندن، انتظارات نامناسب، اعمال خشونت علیه همسر در برابر چشمان کودک از جمله مصادیق کودک آزاری روانی-عاطفی به حساب می‌آید.

غفلت: مصادیق آزار غفلت شامل عدم توجه به سلامت، عدم توجه به امنیت، عدم توجه به تحصیل کودک، غفلت نسبت به تغذیه، استثمار کودک، اعتیاد کودک یا مصرف مواد و ازدواج کودک می‌باشد. قصور در فراهم کردن درمان‌های پزشکی لازم، عدم توجه به مسکن مانند: محل اسکان در خانه تیمی، پاتوق مصرف مواد یا فحشا، کارتن‌خوابی کودک و غیره، عدم توجه به تحصیل، مانند: ترک تحصیل یا منع از تحصیل، استثمار کودک، مواردی مانند: فروش کودک، پخش مواد توسط کودک، تکدی‌گری کودک، زباله‌گردی کودک، کار کودک (خصوصاً بدترین اشکال کار کودک)

انواع کودک آزاری جنسی

دیداری:

قرار دادن کودکان در معرض فیلم و عکس با محتوای جنسی- دیده شدن کودکان توسط دیگران در حمام و توالت، اجبار به مشاهده روابط جنسی- نشان دادن اندام‌های جنسی

شنیداری:

شوخی‌ها و جوک‌های جنسی- استفاده از الفاظ رکیک- اجبار به شنیدن صدای رابطه جنسی

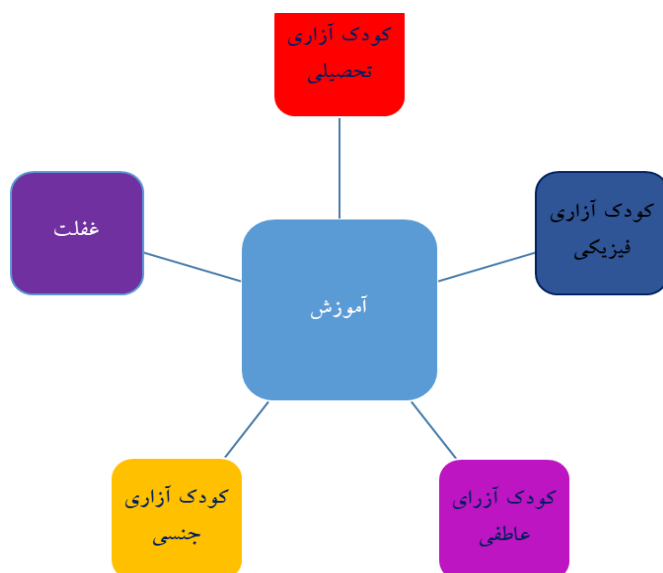
لمسی:

لمس اندام‌های خصوصی کودک- انجام انواع دخول- لمس اندام‌های جنسی بزرگسال توسط کودک

بهره‌گشی جنسی:

ازدواج زودهنگام - استفاده از کودکان در پورنوگرافی - اجبار به فحشا

موثرترین و سریعترین راهکار مداخله ای



فصل ششم: حق بر سلامت کودک

مقدمه

حق بر سلامتی یکی از حقوق بشری است که برای استیفای سایر حقوق بشری نیز ضروری قلمداد می‌شود.

در مقدمه اساسنامه سازمان بهداشت جهانی حق هر انسان برای دسترسی به بالاترین سطح ممکن سلامتی به رسمیت شناخته شده است.

این حق در جامع‌ترین مفهوم خود در ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته، بر اساس بند ۲ این ماده تدابیری که کشورهای عضو میثاق برای تأمین استیفای کامل این حق اتخاذ خواهند کرد، شامل اقدام‌های لازم برای تأمین امور ذیل خواهد بود.

الف - تقلیل میزان مرده متولد شدن کودکان، مرگ و میر کودکان و رشد سالم آنان.

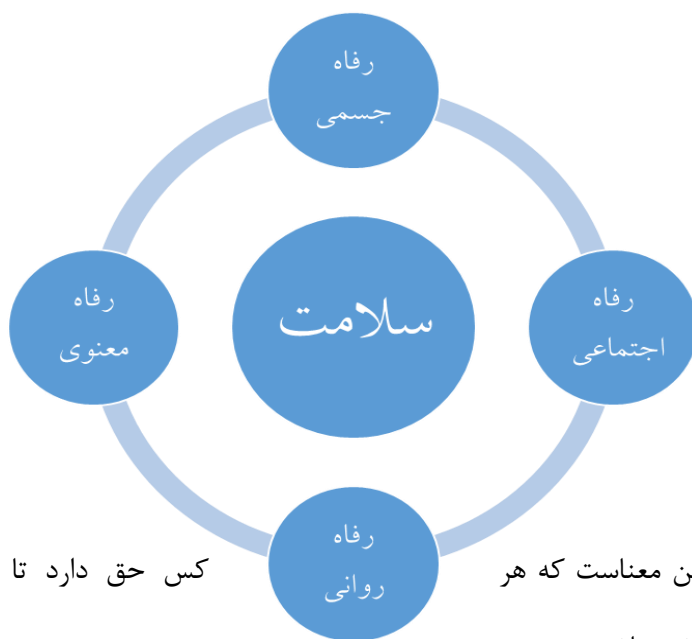
ب - بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات.

ج - پیشگیری و معالجه بیماری‌های مسری، بومی، حرفه‌ای و سایر بیماری‌ها، همچنین پیکار علیه این بیماری‌ها.

د - ایجاد شرایط مناسب برای تأمین خدمات و کمک‌های پزشکی برای عموم در صورت ابتلاء به بیماری.

حق بر سلامتی در پیوندی ناگسستنی با حق حیات (نسل اول حقوق بشر) قرار دارد و از سوی دیگر با حق بهداشت و تأمین اجتماعی گره خورده است. علاوه بر این حق بر محیط زیست سالم که در نسل سوم حقوق بشر قرار دارد نیز از سرچشمه حق بر سلامتی سیراب می‌شود. به این ترتیب حق بر سلامتی را می‌توان حلقه ارتباط نسل‌های مختلف حقوق بشر قلمداد نمود.

تعریف سلامت



حق بر سلامت

کس حق دارد تا به بالاترین

حق بر سلامت به عنوان یک حق ذاتی به این معناست که هر استاندارد سلامت فیزیکی و روانی دستیابی داشته باشد.

- اصول مختلف قانون اساسی از جمله اصل ۲۳، حق بر خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی را برای همگان به رسمیت می‌شناسد.
- طبق بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی، پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیر بیمه از وظایف دولت است.
- بند ۱ اصل ۳۳، تأمین نیازهای اساسی یعنی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات الزم برای تشکیل خانواده برای همه را یکی از ضوابطی می‌داند که اقتصاد جمهوری اسلامی ایران باید بر اساس آن استوار گردد.

حق کودک بر سلامت در کنوانسیون حقوق کودک

ماده ۲۴ کنوانسیون در رابطه با خدمات بهداشتی کشورهای طرف کنوانسیون، حق کودک را جهت برخورداری از بالاترین استاندارد بهداشت و از تسهیلات لازم برای درمان بیماری و توانبخشی به رسمیت می‌شناسند.

ماده ۲۷ پیرامون سطح زندگی بیان می‌دارد که کشورهای طرف کنوانسیون حق تمام کودکان را نسبت به برخورداری از استاندارد مناسب زندگی برای توسعه جسمی، ذهنی، روحی، اخلاقی و اجتماعی به رسمیت می‌شناسند.

حق کودک بر سلامت در قوانین و مقررات تقنینی ایران

یکی از حقوق کودکان، حق آنها برای سلامت و بهداشت، بیمه و تامین اجتماعی است. در جمهوری اسلامی ایران، کودکانی که والدین یا سرپرستان قانونی آنها کارمند و یا کارگر هستند، به تبعیت از والدینشان از مزایای بیمه برخوردار خواهند شد. در صورتیکه والدین کودکی، دارای مشاغل آزاد باشند، از طریق انعقاد قرارداد با شرکت‌های بیمه می‌توانند از مزایای بیمه استفاده نمایند. با تصویب قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳، سازمان تامین اجتماعی زیرمجموعه اداره رفاه و تامین اجتماعی شد و به عنوان یک سازمان بیمه‌گر اجتماعی موظف به پوشش دهی اجباری و اختیاری برای اقشار مختلف گردید.

حق کودک بر سلامت در دین اسلام

اسلام همواره بر تندرستی و سلامت کودکان تاکید کرده است. پیامبر (ص) می فرماید: "کسی که کودکی نزد اوست، باید رفتار کودکانه در پیش بگیرد" و نیز می فرماید "هفت سال فرزندت را به بازی فراخوان". در اسلام علاوه بر این موارد، به آزاد گذاشتن کودکان برای تاکید شده است.

دولت مسؤل تامین سلامت

- وزارت بهداشت به نمایندگی از سوی دولت مسئولیت تولید سلامت را بر عهده دارد و مسؤولیت اجرایی و نظارت آن در سطح استانها به دانشگاههای علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی واگذار شده است.
- در سطوح شهرستان و روستا، این مسئولیت بر عهده شبکه های بهداشت شهرستان متشکل از مرکز بهداشت شهرستان، مراکز بهداشتی درمانی شهری و روستایی، پایگاه های بهداشت، خانه های بهداشت و بیمارستانهای منطقه ای است که مستقیماً زیر نظر دانشگاههای علوم پزشکی مشغول به فعالیت هستند.
- بخش دولتی، تعاونی و خصوصی، هرکدام سهم خاصی را در ارائه و تأمین خدمات ایفاء میکنند.

برنامه های مکتوب در حوزه سلامت کودک

- سند سلامت کودک
- سند ملی تربیت جنسی
- آیین نامه اجرایی آموزش مهارتهای زندگی و فرزندپروری توسط کمیته سلامت رفتاری روانی تحت نظارت دفتر سلامت روانی- اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت

برنامه مراقبت ادغام یافته کودک سالم (w.c.c) Well Child Care

هدف این برنامه غربالگری کودکان ۸-۰ سال می باشد که با استفاده از دو بوکلت چارت ویژه پزشک و غیر پزشک اجرا می شود. کودکان طی نوبت های مقرر شده از لحاظ وزن، قد، دور سر، تکامل، تغذیه، مکمل های دارویی و ... بررسی می شود.

- برنامه مراقبت ادغام یافته ناخوشی های اطفال (مانا)
- برنامه استراتژیک کشوری کنترل ایدز توسط کمیته کشوری ایدز وزارت بهداشت
- برنامه سفیران سلامت دانش آموزی

مسائل مربوط به حوزه سلامت کودکان



- کودک آزاری
- سلامت روان
- اعتیاد
- سوء تغذیه
- اچ آی وی و بیماریهای مقاربتی

سلامت روان

تعریف سازمان بهداشت جهانی: سلامت روان شامل آسایش ذهنی، احساس خودتوانمندی، خودمختاری، کفایت، درک هم بستگی بین نسلی و شناخت توانایی خود در محقق ساختن ظرفیت های عقلی و هیجانی خویش است.

موثرترین و سریعترین راهکار مداخله ای

- شناسایی هرچه سریعتر مسئله
- شناسایی ریشه ها
- آموزش فرزند پروری به والدین با دو هدف پیشگیری و درمان

- آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان با دو هدف پیشگیری و درمان

اچ آی وی و بیماری‌های مقاربتی

- آگاهی
- اعتیاد
- فقر
- بیکاری
- اختلالات روان

• اپیدمیولوژی کودکان مبتلا به اچ آی وی

- ۵۰۸ کودک مبتلا کمتر از ۵ سال
- ۱۸۱ کودک مبتلا بین ۶-۱۰ سال
- ۱۱۲ کودک مبتلا بین ۱۱-۱۵ سال

در نهایت باید توجه داشت که حق بر سلامت کودک در کنوانسیون بیشتر ناظر به بعد از تولد کودک و تا حدودی در دوران بارداری است. اما در دین اسلام کودک از نطفگی مورد توجه است اهمیت حمایت از او براساس مبانی دینی به نسل‌های پیشین برمی‌گردد، به شکلی که همه افراد مسئول رعایت حقوق از جمله حق بر سلامت کودکان بالقوه آینده هستند، اما در کنوانسیون حقوق کودک، تعریف از کودک بیشتر به بعد از تولد منوط می‌گردد. بنابراین بحث از حق کودک و رعایت حقوق کودک نیز به بعد از تولد کودک و اطرافیان‌ش محدود می‌گردد. در نهایت در جامعه ایرانی حق بر سلامت کودکان، براساس مبانی دینی، حقوق داخلی و تعهدات حقوقی منطقه‌ای و بین‌المللی تعریف می‌شود. بنابراین مهمترین ضعف ساختار حق بر سلامت کودکان در ایران تعیین و تعریف مبانی مفهومی از کودک و توجه به موارد متفاوت با زمیته جامعه ایرانی است.

منابع:

۱- مقالات و مباحث ارائه شده در مدرسه تابستانه حقوق کودک

سایت <https://bayanemrooz.com/>

۲- ب پورقهرمانی گل تپه، نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک و مباحثی پیرامون آن، رواق اندیشه ۱۳۸۳ شماره ۲۸.

۳- سایت <https://www.abdilawyer.com/>

۴- سایت <http://msedighdamavandi.blogfa.com/post/4/href>

۵- سایت <https://fa.wikipedia.org/>

۶- سایت <https://www.newslaw.net/>

۷- م شیخ، ص محمدی، دکتر سعید، ۱۳۹۵، حقوق بنیادین کودک در ایران و اسناد بین المللی، سومین کنفرانس بین المللی علوم و مهندسی، <https://civilica.com/doc/491957>

۸- سایت <https://shahraranews.ir/fa/news/1134/>

۹- سایت <https://fa.wikifeqh.ir/>

۱۰- سایت <https://hawzah.net/fa/Magazine/View>

۱۱- سایت <https://arianalaw.com>

۱۲- سایت <https://kahrizakcharity.com/>

۱۳- سایت <https://iran.un.org/fa/>

۱۴- س عباس آبادی، حق آموزش کودک در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون حقوق کودک، ۱۶ مهر ۱۳۹۵ - ۱۹:۵۵

۱۵- م توسلی نایینی. جنگ و حقوق کودکان آواره و بی سرپرست، فصلنامه ندای صادق، شماره ۳۲، تاریخ انتشار: ۱۷/۸/۱۳۸۸

۱۶- سایت <https://sosapoverty.org/article>

۱۷- م عباسی، م شعبانی، چیستی و چگونگی حق بر سلامت کودکان و جامعه ایران، فصلنامه حقوق پزشکی، سال چهارم، شماره ۵۴، پاییز ۹۹.

۱۸- سایت <https://farzandportal.ir/>